

به نام اول و آخر و ظاهر و باطن

هدف از این مقاله بررسی های تکنیکی عوامل فیلمساز نیست، بلکه سعی می شود ، از موضع فیلمنامه نویس و تهیه کنندگان محتوا ، فیلم به صورت مفهومی بررسی شود و از نتایج آن در ساخت اثرهای مشابه بهره برداری شود . سعی می شود ، این مقاله هم ، با سازوکار مقاله "نقدی بر فیلم فروشنده " به صورت تفکیک نکات مثبت و منفی ، ارائه گردد.

توضیح: لطفا اشکال نگیرید که چرا از نسخه زیر زمینی استفاده شده است. در هالیوود، که مهد سینمای جهان است ، کاربری های تفسیری و گزارشی و آموزشی و آموزشی از اثرات هنری ، مجاز بلکه تشویق می شود ، چون باعث پرداختن به موضوع و نوعی جلب توجه ها و تبلیغ برای آن فیلم به شمار می رود ، به همین دلیل چون نسخه رسمی این فیلم هنوز به بازار نیامده ، بالاجبار از این نسخه قاچاق استفاده شد . که البته به جد مخاطبین را به دیدن نسخه رسمی این فیلم و پرداخت وجه آن توصیه می کنم .

توضیح : قابل توجه، اینکه قدرت سینما در فریم فریم هاش نهفته است و امروز کارگردانان طراز اول هیچ فریمی را از دست نمی دهند و فیلمساز حتما قصد و منظوری پشت آن نهفته کرده است . لذا با موارد و جزئیاتی که بیان می شود ، با تعمق بنگرید .

۱- نکته مثبت: فیلم از نظر متد و ظاهر و گریم و ... درجه مطلوب را داراست. یعنی ظاهر شکلی جهت انتقال، محتوای خود ارائه داده است ، لیکن بررسی ما از لحاظ محتوایی است . یعنی پیامی که قرار است منتقل شود.

۲- نکته منفی : استفاده یا سوء استفاده از واژه ارشاد مجاز نیست. با بررسی ریشه این کلمه و هم خانواده های آن به این کلمات می رسیم ، رشد و رشید و ارشاد و مرشد رشادت که واژه های بسیار عظیم و مقدسی هستند و مسخره کردن این واژه ها یعنی استحاله آنها ، از معنای حقیقی خود ، که کاربرد آن برای مقاصد دنیوی ، ضلالت و گمراهی است . مخصوصا با آن حالت اغزجره که مخاطب حتما بفهمد که منظور از اسم فیلم گشت ارشاد ۲ است و مثلا وزارت فرهنگ دولت ، گفته باید این کلمه حذف شود .

ولی با خط خطی کردن روی کلمه ارشاد ، عملا به این واژه حمله شده است .ذهنیتی که برای مخاطب عام ، ایجاد می شود ، این است که مثلا" ارشاد "چیز بدی است که باید روی آن را خطخطی کرد .

۳- نکته مثبت در صحنه ابتدایی فیلم ایجاد فضای شاد ، در محیطی که انتظار می رود افراد افسرده باشند (زندان) نوید لحظات خوشایندی را به مخاطب می دهد .

۴- نکته مثبت جمله "اگر نصف هوش شما در اقتصاد بود الان چین مستعمره ما بود " ارزش استراتژیکی دارد و از یک سو نوعی باور سازی و هویت بخشی و اعتماد به نفس عمومی می دهد که متاسفانه در سینما و آثار ما گم شده است ، ولی از سوی دیگر محتوای جمله دارای اشکال می باشد ، نگاه به مستعمره در آوردن دیگران ، نگاه فرعونی و شیطانی است . مخصوصا که این جمله را در جمع برادران دزد و قاچاقچی اش می زند .

۵- نکته مثبت ژست و حالات شخصیت عباس (دست به کمر ، حالات تسلط و نگاه ریز از بالا و ...) که ذاتی نوع نژاد ایرانی هاست ، گم شده امروز هویت مردهای ماست .(نه دزدهای ما) لیکن استفاده از این عناصر در شخصیت به ظاهر منفی ، ممکن است اثر معکوس داشته باشد ، یعنی به جای اینکه تبلیغ شخصیت مثبتی ، مجهز به این صفات را نماید، اصرار و تعصب به شخصیت منفی را در مخاطب نهادینه می کند .

۶- نکته منفی ماکت میز سخنرانی شخصیت عباس (زنجیر شکسته شده) اگر چه از لحاظ خلاقیت هنری اثری جالب است ولی قرار نیست چنین القا شود که توسط هیات خیریه ، زنجیرهای زندان ، پاره شده است در نگاه آرمانی ، کارکرد زندان این است که فرد خاطی قادر باشد ، زنجیرهای نفس خود را پاره کند و اگر نه بدون اصلاح خود ، پا به جامعه بگذارد همچون مثل ، دزد با چراغ ، گزیده تر برد کالا ، خطرناکتر می شود .



۷- نکته منفی تعریفی که شخصیت عباس ، از سرنوشت انجام داد اینکه " سرنوشت هر کسی موقع بریدن ناف بسته می شه و ... " اشکال جدی منطقی و فلسفی دارد و نوعی اشاعه جبرگرایی تلقی می شود کاشتن این ذهنیت در فکر مخاطبان ولو با مصادیق حسن و ۲ و ... اثرات نامطلوبی در زندگی و تصمیمات مخاطب می گذارد .

اسلام قائل به جبر در عالم خلقت است و اختیار درعالم جعل (علوم انسانی و افکار و انتخابها و تصمیمات انسانها) و تا وقتی این تفکیک برای کسی مشخص نشود او هم خود گمراه است .و هم آدرس اشتباهی می دهد .

۸- نکته مثبت نماهای از پشت بازیگران و چکمه و ... القا حالت پاراتاگونیستیک (مدافع ارزشها) ایجاد می کند که مطلوب است . لیکن اگر در ادامه داستان ، صاحب این اوصاف ، در جرگه ، نقش منفی داستان ، قرار گیرد ، این حالات به ضد خود تبدیل می شود . گویی از آنها ، استحاله معنایی می شود .



۹- نکته منفی : دقیقه ۳:۰۹ در متن سخنرانی "رفیقمون حسین اوباما که قبلا تو آمریکا همه کاره بود ... اگر پدر و مادرش تو کنیا مانده بودن ... " القا غیر مستقیم مهاجرت به خارج از کشور , اینکه ایران در مقام مقایسه با آمریکا همچون کنیا است و هیچ چیز قابل توجهی اینجا پیدا نمی شود و کاشتن این آرزوی باطل در ذهن والدین , برای اینکه فرزندان در آمریکا همه کاره شوند به آنجا مهاجرت کنید , چه فیزیکی , چه فرهنگی , چه فکری و ... حالا می توان منظور فیلمساز را از گرفتن این پلانها در زندان درک کرد و گویی مردم ایران , حکم همان زندانی هایی را دارند که باید سخنرانی عباس را گوش کنند و در اصل مخاطب فیلمساز مردم ایران , هستند نه آن زندانیان تبهکاری که قرنینه شده اند .

۱۰- نکته منفی : سخنرانی پر شور شخصیت عباس نزد حضار , همچون تشر و نهیب به جامعه اثر گذار است , دست گذاشتن روی شخصیت غلام و تحقیر او به اینکه مادرش زشت بوده و ... نوعی تحقیر شخصیت مردم کشور است , که شما هیچی نیستید , شما بدبختید و باید از خودتان تنفر داشته باشید و ... شاید مخاطب لحظه ای لبخند بزند ولی همان لبخند , یعنی تأییدیه برای ورود این باور به دستگاه ادراکی اش و البته خدا می داند بعدها چه تبعات منفی برای خود و جامعه اش ایجاد می کند .

۱۱- نکته منفی دقیقه ۳:۴۵ تابلو کائنات که تمدن هژمون غرب , آن را بر اساس نظریه قانون جذب اشاعه داده است , هم دارای خواص مثبت است و هم منفی گرده برداری نامعقول از فرهنگ بیگانه باعث ضربه به داشته های خودی می شود . در جهان غرب لائیک (بی اعتقاد به خدای واحد) , تکنیک تابلو کائنات , اختراع شد تا بگویند به جای خدای یکتا به کائنات اعتقاد داشته باشید و به جای دعا به حضرت حق و درخواست از او , آرزوهای مادی تان را روی آن دیوار یا تابلویی بچسبانید تا مسیرتان را گم نکنید , البته کارکرد آن برای اربابان صهیونیسم این است که , بسیاری از , آرزوهای مادی , مردم عادی (ماشین و پول و ...), همچون هویجی در اختیار اربابان ثروت و قدرت قرار گیرد تا بتوانند با مدیریت این لیست و تهییج عوام به طمع , از مردم عادی همچون چهارپایان , کولی بگیرند . مثلا یک مرد عادی سالها باید تلاش کند تا به آرزوی ماشین ۲۰۶ برسد, ولی می دانیم به محض رسیدن به آن , سازنده دهها مدل جدیدتر را ارائه کرده است و لذا هویج جدیدی برای او تعریف می شود و طمع رسیدن به آن هویج آن فرد یا جامعه عقب مانده را مطیع و رام , سوارش قرار می دهد . و این سیکل همچنان ادامه پیدا می کند , و در نتیجه تکنیک تابلو کائنات با وصف غربی اش محل اشکال است .



۱۲- نکته منفی فیلمساز به شدت تلاش دارد از موقعیتهای متضاد ، اتفاق طنز خلق کند ، این شیوه خوب است ولی به شرط اینکه بدانیم در تقابل خیر و شر و حق و باطل ، کدام پیروز می شود ، و کدام شکسته می شود . با اغماض بررسی از منظر فلسفه هنر غربی ، این می شود که آیا تقابل دیویزنوسی منجر به کاتارسیزم (تصفیه روحی مثبت) می شود یا خیر ؟

مثلا دقیقه ۴ شخصیت حسن ظاهری حزب الهی و نورانی دارد و به قول بچه های جبهه و بسیج ، حسابی نور بالا می زند ، حال وقتی این ظاهر خوب با محتوای شر بازیگر ادغام می شود ، هر چند در نگاه اول خنده ای به لبان مخاطب می نشیند ولی در اصل آن تصویر زیبا در قلب و ذهن مخاطب می میرد (استحاله می شود) به طوری که مثلا اگر فرد بسیجی و فی سبیل الله واقعی را هم ببیند ، چون قبلا این تصویر در فکر و ذهن او کشته شده بلافاصله شخصیت حسن به ذهنش متبادر شده و او را دروغگو و خلافکار و ... ادراک می کند ، اینجاست که تحلیلگر شک می کند ، آیا واقعا هدف اصلی فیلمساز از ایجاد این تضاد ، این هدف نحس بوده است ؟ اگر جواب آری دهیم در اینصورت این فیلم بلاشک از مصادیق جنگ نرم محسوب می شود که سعی در استحاله فرهنگ دینی و انقلابی و شهادت دارد . قرینه این حالت این می شود که شخصیت مجید سوزوکی در فیلم اخراجی های ۱ که علی رغم خلافکار بودن او و اطرافیانش ولی از نظر محتوا ، به کاتارسیزم و تصفیه روحی دست می زند و اعمال درست و به جا و خوبی را انجام می دهد . تا جاییکه لیاقت شهادت در جبهه حق را پیدا می کند . آرزویی که همه لیبرالها باید با خود به گور ببرند .

با این مثال می توان فیلم گشت (ارشاد) ۲ را قرینه فیلم اخراجی ها و در جهت مخالف جریان فیلمسازی انقلابی تعبیر و تفسیر کرد که ... گویی این فیلم تلاشی است برای خنثی کردن ارزشهای متعالی انقلاب , آن هم با قرینه سازی از رویه ای که دهنمکی , در سری اخراجی ها ایجاد کرده بود .



۱۳- نکته منفی : پایان سخنرانی " آقا ما را تا لغو امتیاز نکردن مرخص می شیم ... " به خوبی , به مخاطب منتقل می شود که, فیلمساز قصد دارد وارد حریم های ممنوعه شود و هم نوعی محاجه طلبی از نظام حاکم می طلبد , که ببینم ظرفیت تحمل این فیلم را داری یا نه ؟

۱۴- نکته منفی دقیقه ۵:۲۶



تصویری از ایران نمایش داده می شود که بی شباهت به جنگ عراق و سوریه نیست جاده ای خالی از ماشین و حرکت ، دود سیاه کنار جاده و ... و یک ماشین که فرار می کند ، یا از روی مردم آزاری آن دو یا از روی ترس از آن دو ، به هر حال اشاعه حالات منفی است ، و این تصویر همان کارخواسته ، اربابان غربی، از نوکران و مزدوران وطنی است ، (سیاه نمایی و نمایش عقب ماندگی و ...) که حاضرند بابت آن جایزه دهند و توجه نشان دهند

۱۵- نکته منفی : در صحنه حضور ۳ نفره در کافه با سرو مشروب مست کننده



قبح شکنی از سرو مشروب در قلب پایتخت جمهوری اسلامی و دادن ایمیج به مردم شهرستانها و سایر مردم کشورهای جبهه مقاومت ، که در ایران کافه و شراب وجود دارد و ایران در ادعاهای خود صادق نیست و ...

اگر فیلمساز مدعی است که قصد نشان دادن آسیب های اجتماعی را دارد ، باید گفت ، سنجه ما برای بررسی راست و دروغ بودن این ادعا ، احساسی است که در مخاطب تولید می شود ، آیا مخاطب با دیدن این صحنه ، به مصرف مشروب الکلی تشویق می شود ، یا حالت اکراه و چندی به او دست می دهد . اگر در شمای مخاطب هم اولی است ، پس مدعای فیلمساز دروغ است و او به عمد این تصویر انگیزشی را به کار برده است .

۱۶- نکته منفی دقیقه ۸:۲۳ بنگاه دار با تحقیر می گه : " باباتون حتی یک خشت هم براتون به ارث نگذاشت " خط غلط فکری "انتظار ارث و میراث " که در ذهن نوجوان و جوان ما می کارد ، درحالیکه یک فرهنگ خوب غربیها این است که فرزندان را مستقل تربیت می کنند و هر قدر خانواده ثروتمند باشد ، باز هم فرزندان باید کار کنند، تا دنیای خود را خود بسازند ، ولی این القائنات دقیقا هدف معکوس را دنبال می کند اینکه تو بدون ارثیه یا امکانات یا مادر خوشگل یا ... هیچی نیستی و ... و القاء نفرت از خود عیان است .

۱۷- نکته منفی در دقیقه ۹:۰۴



ایمیجی (تصویری) که از نزولخوار به مخاطب مخابره می شود ، شخصیت خوشحال و مرفه و اهل بساط و اعیانا با ظاهر لک و پیس که در موقعیت برتر و بالا قرار دارد و همیشه طلبکار است هر چند قربانی خود را دغ داده باشد و ... بیشتر از اینکه دفع کنندگی داشته باشد ، ترغیب کنندگی ایجاد می کند .

۱۸- نکته منفی دقیقه ۹:۲۱



در این پس زمینه قاب , عباس می گوید " جمعش کن , حوصله دردرس نداریم ... " آیا واقعا اینگونه است آیا صالحان جامعه باید از دردرس ارشاد بترسند؟ یا مشتاقانه برای زدودن جهل جامعه (دانسته های غلط جامعه) قیام کنند؟ آیا از زندان برگشته ها متولی ارشاد و رشد و رشادت و مرشدی جامعه اند ؟ که حالا حوصله انجام وظیفه را ندارند؟...

۱۹- نکته منفی اشاعه الفاظ زشت از جمله " سگ تو روحت " و ... اگر از زبان یک بسیجی واقعی باشد با هزار انتقاد و تهمت رو به رو می شود ولی اگر از زبان یک بسیجی قلابی باشد صدای کسی در نمی یابد, گویی هدف فیلمساز از این پلان و حالت عباس , بیشتر تهدید و تمسخر بسیجی ها است و...

۲۰- نکته مثبت در دقیقه ۱۰:۱۷



ایمیچی از زن خانه دار که در حال طبخ کله و پاچه است .

با توجه به فرهنگ خصمانه ای که مزدوران غربی ، بر غذای جامعه حاکم کرده اند ، پرداختن به غذاهای سالم و طبیعی و غیر شیمیایی ، و بولد کردن آنها بسیار خوب است ، البته به شرطی که فیلمساز این صحنه را تمثیلی به کار نبرده باشد از ذبح ارزشهای انقلاب ، ذبح خوبی ها و ذبح جمهوری اسلامی و ...

۲۱- نکته منفی دقیقه ۱۰:۵۵ مادر عطا "پدرت به ما سر می زد و ... " و حالت چهره حسن ، چنین به مخاطب فهمانده می شود که پدر حسن با آن همه تعریفی که ازش شد ، اهل صیغه یا روابط نامشروع بوده ، و این ابهام تصویر جالبی از مرد ایرانی ارائه نمی دهد . چون صیغه ، در شرایط اضطرار امری حلال ، و زنا در هیچ شرایطی قابل بخشش نیست .

۲۲- نکته منفی : ایمیچی که از زن میانسال ایرانی نشان داده می شود ، زنی امبل و عقب مانده که در آشپزخانه مشغول ظرفشویی است و از آن طرف آن ۴ دختر ، نماینده نسل مدرن و پیشرفته اند ، که البته مهمترین شاخصه شان گیتار به دوشی است .

۲۳- صحبت مادر عطا " آن موقع که عطا را می بردید سر کار ، کلاشی ، حقه بازی ، کلاه برداری و دله دزدی و .. یک کمک خرجی هم برای ما می شد "

۱- همراه شدن این سخنان و این تصویر کل باور نوجوان را نسبت به بسیجیانی که ظاهرشان معمولاً اینگونه است مخدوش می کند اینکه همه آنها اینگونه اند و ...

۲- آیا زن ایرانی و مادر خانواده باید صرفاً به درآمد اهمیت دهد ولو اینکه حرام باشد این چه ضربه ای است که به شان و جایگاه زنان در جامعه شیعه ایرانی زده می شود ، جامعه ای که شرط اصلی دختران و زنانش از همسرشان این است که فقط لقمه حلال سر سفره بیاورند و ...



۲۴- نکته منفی دقیقه ۱۲:۳۶ حسن می گه " من و تو خانه مجردی پرچم دشمن شرت ماست " این شعارها به هیچ وجه، مال بسیج نیست و هدف فیلمساز یا جریان پشت پرده آن ، حمله به شعارهای اصیل و انقلابی بسیج است تا به خیال خودشان آنها را استحاله کند .

۲۵- دقیقه ۱۴ تکرار صحنه موهن در گشت (ارشاد) ۱



این صحنه به هیچ وجه به بسیج ربطی ندارد

پرچم یکی کشور نماد آن کشور است . همه می دانیم , اگر می خواهیم به پرچم ما احترام بگذارند باید به پرچم آنها احترام بگذاریم .

مراسم پرچم سوزی یا زیر پا گذاشتن پرچم آمریکا و اسرائیل در مراسمات خاص به هدف زیر سوال بردن سیاستهای نظام حاکم آن کشورهاست و به هیچ وجه اهانت به مردم آنها تلقی نمی شود و قطعاً اگر روزی آنها از سیاستهای ظالمانه خود دست بردارند و حکومتهای واقعا مردمی سر کار بیاورند , از این طرف هم آتش سوزی پرچمها خاتمه می یابد .

ولی اینکه کسی از بیرون بیاید و ایمیج اینچنینی به ملت آمریکا بدهد که بسیجیان ایران (ولو قلابی) از پرچم شما شرت درست می کنند , جز کار منافقان یا ذهن منافقانه نیست . و این حيله , دقیقا در مسیر سیاست ایران هراسی است که غرب , آن را در درون جامعه خودش , دنبال می کند .

۲۶- دقیقه ۱۴:۴۱ کاربرد نماد لاک پشت در فیلم " زنانه و مردانه ندارند آنها " وسیله قرار دادن حیوان برای توجه دادن مخاطب به موضوع جنسی , مصداق اشاعه فحشاست , زوم کردن روی برخی استثناها در حیوانات دوجنسیتی (آن هم در دوره خاص اجتماعی ما که متأسفانه با انقلاب جنسیتی مواجهیم) چه توجیهی می تواند داشته باشد . جز بنزین ریختن در آتش شهوت جوانان و در نتیجه زدن غیرت در مرد و حیا در زن .

۲۷- نکته منفی : در دقیقه ۱۴:۵۵ تعریفی که از زندان می شود غلط است " نهار مفت و شام مفت و جای مفت اینجا باید کار کنی " گویی جای زندان و خارج از زندان با هم عوض شده است. و این تعریف همچون دلیل تراشی های نفس مسوله می ماند که اثرش بر مخاطب نه تحذیر از زندان که ترغیب به آن می باشد .

اینگونه اطلاعات و تعاریف غلط ، وقتی در نهاد افراد می رود تحلیل آنها و نظام باورهای آنها را مخدوش می کند . دقیقه ۱۶:۱۵ حسن می گه : " من تو مدتی که در زندان بودم به این قضیه خیلی فکر کردم که چه کار کنیم " یعنی کاربری زندان را نه اصلاح بلکه محیط مناسب برای فکرهای غلط عنوان می کند

۲۸- نکته منفی : حسن : " تا حالا از خودتان پرسیدید بهترین وقت برای تیغیدن جیب خلق الله کی است ؟ "

اولا به روشنی مردم را دو دسته می کند خلق الله و غیر آن ، یعنی کسانی که قصد دزدی دارند . ثانيا به نوعی حمله به باور توحیدی مردم است ، یعنی کسانی که خود را مخلوق خدا می دانند ، افرادی ضعیف و مجرم و لایق تیغیدن هستند .

ثالثا جملاتی که با "از خودت بپرس .." شروع می شود یعنی مخاطب قرار دادن نفس خود ، مهمترین و موثرترین نوع کلام با خود و جزء جملات تاکیدی دسته بندی می شوند ، وقتی فیلمساز عمدا این جمله تاکیدی را برای یک مطلب غلط به کار می برد ، باید به نیت او شک کرد . رابعا : وقتی صحبت از کار می شود و حسن به عنوان قهرمان فیلم این جملات را می گوید ، یعنی خلط حق و باطل ، یعنی گل آلود کردن آب ، یعنی بازی با معنای لغات ، یعنی خالی کردن مفهوم از کلمه مقدس کار و... آیا کار معادل تیغیدن جیب افراد خوب است . خامسا : اما نکته ای پر معنی اینکه ، این فرد خودش را جدای از خلق الله دسته بندی می کند (که همان تعریف لائیسیتته است) ، همه این موارد برای این بد است ، که از سوی یک شخصیت الگو مطرح می شود و اگر نه اگر یک آدم شیطان صفت و منفی این جملات را می گفت ، در مخاطب خیلی هم اثر خوب داشت و باعث می شد مخاطب، خود را از انتساب به این کارها و این افراد مبری کند . نه حالا که به دلیل محبوبیت شخصیت عباس ، خود را با او همزاد پنداری کند و در این رهگذر مجبور شود ، صفات منفی او را هم یدک بکشد.

بازی با واقعیات سیاسی جامعه به هیچ وجه خنده دار نیست . اگر افرادی باطل صفت مثلا از انتخابات یا برجام برای تیغیدن جیب مردم استفاده می کنند، نباید مردم به سخره گرفته شوند . بلکه باید علیه ظلم و ظالم ایستاد . مهم این است که جهت را گم نکنیم . آیا نتیجه عمل ما در نهایت به خیر و صلح و حق منتهی می شود یا به شر و فساد و باطل .

۲۹- نکته منفی : دقیقه ۱۶ عباس : " به حضرت عباس " بازی با نمادهای شیعه خط قرمز ماست . بازی با مقدسات مردم , خط قرمز ماست . قسم حضرت عباس شان و جایگاه دارد , از دهن هر چرک صفتی, نباید به طور ناقص و در موضوع دروغ , بیرون بیاد .

۳۰- عباس : "به همین زمان قسم " قسم خوردن در اسلام جایگاه دارد و نباید لوث شود , مشخص است که دروغ می گوید " ... من الان گرگ وال استریت بودم " اشاره به فجور و گناه دی کاپریو در فیلمی به همین نام و افتخار و ارزش معرفی کردن آن نوع زندگی و... , ضد ارزش است . و در یک کلام قسم "والعصر (قسم به زمان)" خیلی سنگینتر از آن است که در دهان هر دزد فاجری ... بچرخد .

۳۱- نکته منفی : حمله فیلمساز به مراسم های عاشورایی شیعه

عباس : " بهترین وقت برای تیغیدن مردم وقتی است که طرف اشکش در آمده است " لازم به ذکر است که مردم جهان, ملت شیعه ایران را ملت گریه, می شناسد و گریه برای مصائب ائمه هدی , همچون حمامی است که پلیدیها و زشتیهای روح را می زداید و در فرهنگ شیعه بسیار محترم است , که حدیث " یک قطره اشک از روی معرفت , برای امام حسین (ع) , فرد را وارد بهشت می کند " جایگاه خاصی دارد .

جمله عباس در نوجوان شیعه چه تاثیری دارد , اینکه مراسم نوحه خوانی و عزاداری ها برای تیغیدن تو است و... حسن " آقا این تکنیک خیلی قدیمیه , بفهم " پایین آوردن سطح تصفیه نفس با گریه به عنوان متد و روش و تکنیک, مقدمه زدن آن ارزشهاست .

۳۱- نکته منفی : دقیقه ۱۶:۳۱



به کار بردن شعر " شادمهر عقیلی " برای مراسم خاکسپاری همراه با حرکات خواننده لوس آنجلسی " ابی " در صحنه کنسرت زنده ، برای جایگاه مداحی و روضه خوانی ، خیانت بسیار بزرگی است . می دانیم یکی از وظایف سرویسهای اطلاعاتی اسرائیل، برای استحاله فرهنگ عاشورایی در مردم کشورمان ، نشر خزعبلات در بستر، نوحه و مداحی است و با بودجه های کلان سعی در اشاعه حسین پارتی و نوع مذموم از عزاداریها و ... دارند، تا اثر این ارزشهای دینی و انقلابی را در نسل های آتی از بین ببرند و حال آنکه پلان بسیار اثرگذار تر از آنها را ، در این فیلم می بینیم .

صحنه طنز ساختن از یک مراسم عزاداری ، با تناوبی از ریتم نوحه با ریتم موسیقی طنز ، نوعی حمله به ارزشهای دینی ، عاشورایی و انقلابی است . فقط خنده مردم کوتاه نظر ، را به همراه ندارد . آیا وظیفه فیلمساز ، تحمیق بیشتر افراد ساده است یا اینکه دست آنها را بگیرد و بالا بکشد ؟



لذا اگر این صحنه ها از روی سهو بوده که تذکر جدی لازم داشت و اگر از روی عمد بوده باید سرویس های اطلاعاتی کشور ، جریان پشت سر این فیلم را به عنوان خط نفوذ فرهنگی قلمداد کرده و اقدامات لازم را انجام دهند .



ایمیج ساختن از چهره های حزب الهی همراه با عینک زنانه و دخترانه ، تحقیر دیگری است که در این فیلم به بسیجی های انقلابی راستین ، وارد می شود . مخاطب بیگانه با فضای بسیج ، وقتی این تصاویر را می بیند ، دچار پارادوکس می شود ، هدفی که به نظر می یاد فیلمساز به دنبالش بوده است .

۳۳- نکته منفی : اشاعه سیگار ، ، قلیان و خالکوبی ، و رفتار منافی عفت و ضد ارزش ، به خوبی در صحنه های متعدد فیلم ، قابل شناسایی است . و انتساب آنها به بسیج ، کار نابه جایی است .





۳۴- نکته منفی : در دقیقه ۲۱ د رعینک فروشی



ارائه ایمپج غلطی از رفتارهای بسیجی ها و بچه حزب الهی ها

توهین و اغتشاش و حرکات خلاف شائن که هیچ بسیجی واقعی انجام نمی دهد و بیشتر از سوی جوانان ساختار شکن بروز می کند , را در قالب بسیجیهای قلبی به خورد نوجوانان و مردم عادی می دهند, به طوریکه اگر خانواده ای با مجموعه های ارزش مدار ارتباط معمول نداشته باشند, این تصویر را ,به عنوان شناخت خود از بسیجی ها در ذهن خود حک می کنند و چه کسی ستمکار تر از آن است که تهمت ناروا می زند .

۳۵- نکته منفی : دقیقه ۲۱:۳۷ رقص در پیاده رو توسط جوانان ظاهرا حزب الهی و بسیجی اهانت دیگری است



۳۶- نکته منفی دقیقه ۲۲:۲۴



عباس: "۲۰۶ بزن کنار در حال ماموریتیم"

تظاهر کردن به مامورین نیروهای امنیتی و انتظامی جرم سنگینی است که به راحتی در این فیلم، در چند پلان گنجانده شده و حتی برای کار راه اندازی توصیه هم می شود.

کوتاه آمدن در برابر درخواست خانم و سوء استفاده از تظاهر به مامور بودن عباس: "ماموریت کنسله کارتون را بکنید" بازی با کلمه ماموریت، برای استحاله و سخیف کردن آن، به هر حال باید به مشاور انتظامی فیلم یا مرجع صادر کننده مجوز برای این فیلم، بابت این نوع صحنه ها، اشکال جدی گرفت.

۳۷- نکته مثبت: نشان دادن همکاری و کار گروهی ولو در مشاغل ساده، نکته مثبتی است و اینکه تلاش ۳ نفری به هر دری می زنند تا کار مفیدی انجام دهند، اینکه کار، عار نیست و باید زحمت کشید. نکته خوبی بود ولی عبث تمام شد، یعنی مخاطب نفهمید آیا آنها جنم کار کردن نداشتن یا درآمد مکفی نداشتن یا... اما تغییر مداوم شغل و دعوا و عدم استقامت در کار و از این شاخه به آن شاخه پریدن، خوب نیست. و اگر به بچه بسیجی ها منتسب بشه، جایز نیست.





۳۸- نکته منفی : دقیقه ۲۶:۳۱ توهین کارگردان تئاتر به حضرت یوسف

"خیلی حیف شد شما را زودتر ندیدم واگر نه با این قیافت , اثلا خود جنسی , اثلا باید می زاشتمت یوزارسیو "

آیا زیباترین پیامبران خدا یوسف (ع) , لایق چنین توهینی هست که باید یک مجرم و زشت به جای او نقش بازی کند , چه کسی مجوز شوخی با پیامبران الهی را به این فیلمساز داده است , به نظر بنده , این جمله ساختار شکن مقدمه ای است بر حمله به متعلق ایمانی (ایمان به انبیا الهی) که اگر واکنش مناسب صورت نگیرد , چه بسا در آثار بعدی , باید منتظر به سخره گرفتن , عمر نوح (ع) , صبر ایوب (ع) , ... و غیبت مهدی(عج) نیز باشیم.

۳۹- نکته منفی : بازی با نیروی انتظامی جزء خط قرمزهاست .

هر تمدنی که با نیروهای انضباطی و انتظامی خود توهین و تمسخره را شروع کند و ابهت این نیرو را بشکند قطعاً رو به زوال می رود . فیلمهایی که هالیوود از پلیس و نیروهای انتظامی آمریکا تصویر می کشد , به راحتی ابهت و اقتدار و .. را به مخاطب القا می کنند , این مطلب در تضاد با نقش نیروی انتظامی در این فیلم است ,

فرمانده اطلاعات عملیات زبده پلیس , سوژه تعدادی جوان معلوم الحال در لباس بسیجی می شود , و تازه فریب هم می خورد. و دروغ آنها را باور می کند و راه خود را می کشد و می رود , جدا باید به مشاور انتظامی فیلم بابت تائید این صحنه آفرین گفت!!!.



این حقارتی که فیلمساز قصد دارد تا از نیروی انتظامی کشور ترسیم کند در فیلم های دیگر جریان رفرمیست کشور ، مسبوق به سابقه است .

حال آنکه نیروی انتظامی، متعهد و انقلابی ما ، در دوره های چهره زنی که می بینند ، به راحتی می توانند خاطیان را شناسایی کنند و ...

۴۰- نکته منفی : در صحنه سخنرانی عباس در زندان، عباس اینگونه نتیجه گیری می کند " با توجه به امکاناتی که ما در آن رشد کردیم ، اگر از جایی غیر از اینجا سر در می آوردیم بایست تعجب می کردیم " به نظر شما اشاعه نفرت از خود ، نفرت از کشور خود ، نفرت از شرایط و امکانات ، بهتر از این امکان دارد ، و حال اگر برای مخاطب نوجوانی که این کلمات در ذهنش حک می شود هزاران دلیل منطقی و عقلی هم بیاوریم که اینگونه نیست ، قبول نمی کند اینکه یک سوم مردم دنیا گرسنه اند ، نیمی از مردم دنیا از نعمت امنیت بی بهره اند و ...

۴۱- نکته منفی در کافه : کارگردان با آب و رنگ دادن به این پلان و محیطی شاد و شلوغ چه هدفی را دنبال می کرده است.

اینکه بگویند در ایران و تهران مکانهای مخفی ای هست که به سادگی مشروب سرو می کنند .

آیا فیلمنامه نویس و کارگردان و تهیه کننده ، نمی دانند که اشاعه فحشا از خود فحشا ، گناه سنگینتری دارد

عطا می‌گه " دوره بگیر و ببند و ارشاد تمام شده "

یعنی چی ؟ یعنی در دوره دولت رفرمیست ها ، سال ۹۲-۹۶ ، نباید ارشادی صورت بگیرد و ...

۴۲- نکته مثبت و منفی سخنرانی عباس هنگام دستگیری تا ماشین پلیس که به مثابه بیانیه فیلم هم می‌توان در نظر گرفت ، نکات دردهای اجتماعی را بیان کرد ، اما جهت این انتقادات مشخص نیست ، سیاست اقتصاد قفل شده و فشار به مردم ، محصول دولت غربگراها و لیبرال هاست نه جریان انقلابی . و نباید جهت این انتقادات به نیروی انتظامی که نماینده جریان انقلابی حاکمیت است ، گرفته شود . نمی‌شود شرایط موجود کشور را به نام اسلام و انقلاب به کام جریان لیبرال و مدرنیست تفسیر کرد . چون بسیاری از مسئولین دولتها و بانکداران و کارخانه دارها و تاجران لیبرالی تصمیمگیری می‌کنند نه مبتنی بر اسلام انقلابی و ... یعنی باید مشخص می‌شد که انتقادات وارده ، مذکور ، مربوط به به دولت لیبرال فعلی ۹۲-۹۶ است (اینکه دزدهای کلان را رها کردن و خرده مجرم های ناچار را می‌گیرند)

۴۳- نکته مثبت در روش استعاره ای که در پلان تئاتر به کار برده شد و نویسنده و فیلمساز غیر مستقیم در ذهن مخاطبان خود کاشتند از اینکه افراد ضعیف دستگیر و سرکوب می‌شوند و مغزشان برای حاکم ضحاکمانندی برده می‌شود نسبت به شرایط امروز جامعه ، استعاره ای زیبا بود اما همان اشکال قبلی وارد است ، یعنی جهت معلوم نیست ، یعنی ، آیا این انتقاد به دولت لیبرال های غربگراست ۹۶ یا انتقاد به حاکمیت انقلاب اسلامی



که این ضحاک زمان کیست به عبارت خیلی ساده تر ، آیا هدف انتقاد جریان رفرمیست موسوم به اصلاحات است یا جریان انقلاب اسلامی . چون به اسناد مختلف ، بسیاری از مصائب کشور محصول تفکرات و تصمیمات مدیران

تکنوکرات، فرنگ درس خوانده، وابسته به جناح لیبرال کشور، است، که گوش به فرمان اربابان غربی خود در یونسکو و سازمان ملل و کدخداها هستند.

اگر منظور فیلمساز از نماینده ضحاک، جبهه انقلاب اسلامی است که باید به فعالیتهای کلیه دست اندر کاران این فیلم به جد مشکوک شد، چون معلوم می شود هیچ درک و تحلیلی از نظام سیاسی دو قطبی جامعه ندارند و یا به عمد اشکالات وارد بر جریان رفرمیست را می خواهند به جبهه انقلابی ها حمل کنند و حمله به اصل ثبات نظام یعنی نهاد رهبری را در دستور کار قرار داده اند.

وقتی که ... بزرگترین فیلسوف سیاسی آمریکا، تمام وقت روی پروژه مدل سیاسی ولایت فقیه متمرکز است تا بلکه مدل بومی آن را برای نظام سیاسی آمریکا طراحی و بومی کند، تضعیف این نهاد در داخل کشور عین خیانت است.

از یک طرف سخن علی (ع) را داریم که فرمودند حق گرفتنی است.

و از طرفی سخن امام راحل را داریم که فرمودند میزان رای ملت است.

حال اگر وارد جزئیات تعریف مله یا مردم، از منظر امام خمینی شویم به این می رسیم که، منظور ایشان از مردم، مردم مومن بوده نه هر کسی، آنچنان که در جایی فرمود می بینم ملت الهی شده است و ...

اگر هم انتقاد فیلمساز به رئیس جمهور است باید گفت، به هر حال رئیس جمهور منتخب مردم است و هیچ قرباتی با ضحاک (فرعون صفت) ندارد اگر فیلمساز انتقادی دارد باید به رای مردم وارد کند نه شخص منتخب.

ولی راه کاری که فیلمساز برای عبور از شرایط فعلی پیشنهاد کرد، بسیار بسیار غلط و شک برانگیز است.

اینکه همه چیز را داغون و خراب کنند و اموالی را بدزدند، بابت به اصطلاح حق شان و ... یعنی تشویق به اغتشاش و مرحله بعدش شورش. همان تجویزی که فتنه گران سال ۸۸ از مدتها قبل از انتخابات تدارک آن را دیده بودند، تحت پروژه تقلب، پروژه ای که بارها کذبش، ثابت شده، ولی سران فتنه حاضر به اعتراف علنی نیستند.

این تفسیر اولاً هوش نویسنده و فیلمساز را عیان می کند که چگونه انتقاد به وضع موجود را توانسته اینگونه و به ظاهر طنز به مخاطب نشان دهد و از طرفی کم سواد و کم اطلاعی یا غرض ورزی او را از شرایط سیاسی و اجتماعی کشور و جهان می رساند.

که البته اگر می توانستیم ، فیلمساز را گروه هنرمندان متعهد بگنجانیم ، این انتقاد بیشتر به مشاورانش بر می گشت ، که تصویر روشنتری را در اختیار فیلمساز قرار نداده اند . و اگر فیلمساز را در دسته هنرمندان لیبرال بگنجانیم ، که در آنصورت به وظیفه ذاتی خود عمل کرده است .

به هر حال هر گونه تشویق به تنش و آشوب و به هم زدن نظم عمومی و اجتماعی شبیه آنچه در اتفاقات ۸۸ رخ داده است ، نکوهیده و مستحق پیگرد قضائی است .

همزمانی پخش این فیلم ۳ ماه قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ بسیار شک بر انگیز است . گویی پیامی است برای هواداران جناح رفرمیست کشور ، که آماده اغتشاش باشید .

و به همه این دلایل است که این فیلم بیشتر از ژانر طنز گونه اش باید در ژانر سیاسی دسته بندی شود . این مبحث طولانی است و به همین جا بسنده می کنیم





به هر حال ادعای فیلمساز مبنی بر اینکه اثلا منظور ما این موارد نبوده است، قابل پذیرش نیست، چون قطعا احتمال انتخاب یک نمایش از هزاران نمایشنامه موجود و سپس انتخاب یک صحنه خاص از کل آن داستان، یک در میلیون است.

۴۴- نکته منفی: اینکه عطا قادر است آینده را ببیند اگر چه، یک خط تعلیق مناسبی در ذهن مخاطب ایجاد می کند، ولی دروغ و باطل و سکر آور و تخیلی و مضموم است. آینده بینی در اسلام اخباری است، یعنی مثلا پیامبر (ص) گوی حضرت حسین بن علی (ع) یا زبان حسن بن علی (ع) را می بوسید و ... یعنی مسیر انتخابهای انسانی و تقدیر و قضای الهی به این سمت می رود، که این اتفاقات می افتد، به هیچ وجه پیامبر در صدد تغییر جریان طبیعی حوادث بر نمی آید. صرفا با امکانی که از اطلاع بر غیب در اختیارش هست، خبر می رساند، اما در این فیلم، عطا علاوه بر خبر رساندن، در تغییر اتفاقات آینده دست می برد، همچون نگاهی که مثلا در فیلم کانادایی روزنامه فردا وجود داشته است.

و خلاصه یک بحث پیچیده فلسفی نیاز دارد که نقش انسان چیست، جبر و اختیار ربوبیت خداوند و ... و لذا وقتی مبانی فکری غلطی است، اشاعه این ایده به جا نیست. و در این مورد خاص، به جلب توجه بیشتر مخاطبان به جریان رمالها و فالگیرها و ... می انجامد.

و جهت تجویز نگاه جایگزین می توان گفت: نگاه انقلاب اسلامی به آینده، آینده سازی است با ترندهای مطلوب، لذا حرکت از وضعیت بد فعلی به وضعیت طراز مطلوب، بهترین نوع رویکرد عقلانی است.

۴۵ - اگر از وجه مثبت به موضوع نگاه کنیم ، به این صورت می شود که : فیلمساز سعی کرده به این بهانه ، تریبونی شود برای اعلام مشکلات مردم عادی و گرفتاری های روزمره مردم و اینکه چقدر مشکلات خردی وجود دارد که با حتی یک مشاوره ساده قابل حل است ولی تبدیل به معضل شده است .

۴۶ - نکته مثبت اشاره فیلمساز به طور غیر مستقیم به اختلاف پسر و پدر در خانواده های متمول ، اینکه پسر از مال پدر خود دزدی می کند و ... اشاره به پدیده متاسفانه بدی است که در حال شیوع در جامعه متاثر از فرهنگ لیبرالی و کاپیتالیستی است ، ولی فیلمساز فقط طرح مسئله می کند و هیچ راه حلی ارائه نمی دهد ،

۴۷ - نکته منفی : به نظر من اصرار فیلمساز به نمایش و اشاره به خلاف بودن و همه کارهای خلاف را کردن و تاکید و تاکید پی در پی در این ۳ نفر به قصد القا به مخاطب بوده است چون ذهن ناھشیار مخاطب کاملاً فاقد قدرت انتخاب است هر تخریبی که به روش القا در آن کاشته شود پرورش می یابد و بعدها بالاخره یکجا خود را نشان می دهد .

۴۸ - نکته مثبت و منفی : فیلمساز به خوبی نمایش می دهد ، روابط گرم بین افراد را ، چه ۳ نفر مجرد چه ۴ نفر دختر یا زن مجرد ، گویی قصد دارد ، این نوع روابط را تشویق می کند . ولی این نوع روابط ، لیبرالی و مدرن و مخصوص غربگراهاست و هیچ جایگاهی در خانواده اسلامی و انقلابی ندارد . اهمیت این موضوع به این دلیل است که چون گمشده بشر امروز عشق و عاطفه و انرژی درونی و احساسات سالم و پاک است و اینها را از هر جایی که به آنها عرضه شود گدایی می کنند ، چه افتخار بزرگی از طرف خدا به فیلمسازانی است که می توانند این طعام را اولاً سالم ثانیاً سالم و ثالثاً کامل به مخاطبان خود هدیه کنند و نقش موثری را در هویتبخشی آنها ایفا کنند . که متاسفانه در این فیلم مخدوش است .

۴۹ - نکته منفی اصرار فیلمساز به نمایش خط قرمزها و دنیای زیرزمینی و خلاف از جمله در رینگ مشت زنی ، (که نمودی از پیکار وحشیانه گلاادیاتورهای رومی بوده) هر چند بسیار زیبا به نمایش درآمده، ولی ذاتاً اشتباه است .



یعنی عمل غلطی که بسیار زیبا و درست اجرا و نمایش و تاکید شده است . همان افتادن در دام متدولوژی است.

لذا این گونه پلانها هر چند به بهانه نمایش وضع موجود ، قابل دفاع، نیست . چون اولاً تعداد این مراسم به کمتر از انگشتان یک دست هم نمی رسد . ثانياً ، آیا این موضوعات اهمیت این را دارد که دغدغه جامعه بشود آیا اگر هدف حساس کردن نیروهای اجتماع است ، واقعا تغییر مصلحانه ای پیشنهاد می شود ؟ یا به بهانه این هدف اشاعه منکرات (مثلاً صحنه رینگ مشت زنی از بالا و غرق در پول) می گردد.

۵۰ - نکته منفی دقیقه ۹۴

چرا فیلم به ازدواج ختم نشد و با اشاره عباس به ویژ (یعنی پرواز هوایی) و خروج از کشور و خروج طلاها و سرمایه از کشور و ... همه اینها نشان می دهد که عوامل سازنده ، هیچ نگاه سطح کلان و مصلحانه ای به اجتماع نداشته اند و ...



چرا این فرد که سعی شد لوطی و جوانمرد و طرفدار قشر ضعیف و صدای مردم درد مند معرفی شود ، به محض اینکه به امکاناتی رسید ، به فکر فرار و خروج از کشور افتاد . و تازه نه فقط خود بلکه دو همراه خود را هم با خود می برد .

بدون اینکه اشاره ای به سرنوشت ازدواج حسن با معشوقش شود . یعنی پسر های این دوره اینقدر بی معرفتند که سفر به خارج را به رسیدن به معشوقشان ترجیح بدن . یا ... این نوع رفتارها نه تنها در جامعه بسیجیان ارزش و تشویق نمی شود ، بلکه محل تنازع است .

۵۱- نکته منفی اثلا تعریف خانواده در این فیلم بسیار مغشوش است ۱- عطا که زندگی خانه مجردی را به زندگی مادرش ترجیح می دهد . ۲- عباس که به جای اینکه خودش مسئول خانواده معرفی شود ، نه تنها خودش خانواده و تعهد و مسئولیتی ندارد ، بلکه خود را ذیل خانواده پدری اش تعریف می کند ۳- عطا که در آن سن و سال هنوز در توهم دختری با پژو ۲۰۶ آلبالویی است و خانواده ندارد ۴- حسن که عاشق دختری شده است ولی به ازدواج ختم نمی شود ۵- طلا یکی از ۴ دختر که هیچ نشانه ای از ازدواج یا علاقه به آن نمی بینیم ۶- دختری که مثلا فرزند شهید گمنامی است ، که بدون اطلاع از سابقه اش ، علی رغم کمالات ظاهری مجرد است و با آن ۳ دختر همباشی می کند ۷- دختر سه تار زن که پدرش راننده بوده و نمی دانیم چطور از این خانواده سر در آورده ۸- جوانان محلی که نمی دانیم به چه دلیل به جای حمایت از این ۴ دختر ، از آنها به عنوان خانه فساد شاکی اند . ۹- و در همه این افراد ، اثری از عمو و عمه و خاله و دایی و پدر بزرگ مادری و پدری و ... نمی بینیم و ...

۵۲- نکته منفی ، به هر حال وجود مثلث فرخ نژاد و کیمیایی و سهیلی ، ترکیب و تیم جالبی را ساخته اند که بیشتر به خاطر شخصیت و بازی خوب ، خود آنهاست ، به طوری که اگر مثلا نقش عباس را شخص دیگری بازی

می کرد ، هرگز چنین بازی در نمی آمد . ولی چرا بازیگران ما به این درجه از بلوغ معرفتی و اجتماعی و حساسیت شغل خود ، نرسیده اند، که اشکالات ذکر شده را ندیده اند و حاضر به بازی در این فیلم هستند . شاید ...

۵۳- نکته منفی : وقتی دغدغه مسئولان فرهنگی کشور و مراجع و بزرگان مسئله سبک زندگی است چرا روی الگوهای غربی از خانواده های همباشی و مدل موی دیزل و ... که خلاف نظر آنهاست، تمرکز صورت گرفته است .



۵۴- نکته منفی یک اشکال فیلمنامه این است که می گوید دخترها بابت نجات برادرشان کار نوازندگی می کنند ولی از آن طرف دخترها همچون دختر فراری نمایش داده می شود که یکی پدرش راننده بوده ، یکی پدرش را نمی شناسد و ...

۵۵- نکته منفی : ماجرای دختری که اثری از پدرش ندارد و ما اثلا نمی دانیم چطور تربیت و بزرگ شده و از آن خانه سر در آورده است شک برانگیز است در جای دیگری از فیلم القا می شود که آن دختر ، فرزند مثلا شهید

گمنام بوده است سوال : ۱- یعنی مادر شهید گمنام اینقدر بی معرفت بوده است که فرزندش را سر راه گذاشته که این احتمال یک در میلیون هم نیست ۲- آیا در آن صورت این فرزند شهید هیچ سرپرست دیگری از خانواده همسری یا مادری نداشته و ... ۳- آیا فرزند شهید از ارزشهای مقدسی که پدرش به خاطر آن تا پای جان رفته است بر می گردد و نوازنده می شود ۴- آیا بنیاد شهید انقلاب اسلامی به عنوان متولی رفع و رجوع نیازهای مادی خانواده های شهدا ، در کار خود خیانت کرده اند ۵- آیا آن شهید همزمان و دوستانی نداشته اند که سرپرستی فرزند برادر شهید خود را بر عهده بگیرند کشیدن پای شهدا به این بازیها خط قرمز ماست

پیام پنهانی که فیلمساز در ذهن مخاطب می کارد این است که اگر بروی برای ارزشها و انقلاب و اعتقادات بجنگی ، شهید می شوی و در آن صورت فرزند دخترت را سر راه می گذارند و معلوم نیست چه بلایی سرش بیاید .

آیا واقعا اینگونه است ؟؟؟

۵۶- نکته منفی : اصرار و تکرار مدام صحنه های نوازندگی توسط خانمها به شدت ظن القا غیر مستقیم را بالا برده است ، می دانیم عادی سازی گناه ، گناه را عرفی می کند و طبق فرهنگ لیبرالیسم گناهی که عادی و عرفی شد ، دیگر گناه نیست ، که البته این فرآیند درجه درجه صورت می گیرد ، قطعاً باید منتظر بود که این خط انحرافی در آینده ، خوانندگی زن را نیز به نمایش بگذارند تا قبح شکنی آن در سطح جامعه رقم بخورد .

مقدمه ورود خانمها به عرصه آواز و خوانندگی عادی شدن نوازندگی آنها و از بین رفتن حیا و کم کم ، نابودی تمدن اصیلمان را به همراه دارد .

اگر فیلمساز واقعا ، نیت پلیدی پشت این تصمیم نداشت ، چرا مثلاً یک یا ۲ نفر آنها را به کاری دیگر نمایش نمی داد ، چرا تکرار مدام صحنه های نوازندگی در جایگاههای مختلف .

مگر نمی خواهد بگوید که این دخترها برای نجات آن برادر (که با وجود اینکه پدر های مختلف داشتن) مجبور به کار در مکانهای عمومی شهر هستند ، چرا همه باید نوازنده باشند ، پرستار بهیار کارمند و ...

چطور ، در اول فیلم ، عباس و حسن توسط خیریه آزاد می شوند ولی در این مورد کسی یا " بنیاد برکتی " نیست به برادر این خانمها کمک کند . چطور دایی مقتول در مورد جرم غیر عمد ، اینگونه تهدید می کند که اگر به خواسته من تن در ندهی ، می فرستمش بالای دار و ... آیا اینجا هم حمله به ماهیت و کارکرد دستگاه قضایی نیست ؟ آیا فیلمساز این اجازه را دارد که بهانه جور کردن داستان خود ، همه ساختارهای نظام و اجتماع را دستکاری کند

۵۷- نکته منفی چرا خانواده ای نمایش داده نمی شود

ظاهر ۳ مرد این است که بالای ۳۵ سالند و عباس بالای ۴۵ را دارد

چرا عذب ؟ چرا کارگردان یا نویسنده اصرار دارد تا صحنه های مجردی و شلختگی و ... را تصویر کند؟



اگر بخواهیم کنایه بزنیم باید گفت : فیلمساز حدیث نفس کرده و شرایط زندگی خود را تصویر کرده است! در اینصورت چرا بقیه جامعه باید این بی نظمی و ناراستی را ببینند و خدای ناکرده تاثیرات القائی منفی بگیرند؟

۵۸- نکته منفی هدف داستان گم است و بیننده بعد از معرفی شخصیت‌های داستان در بخش اول فیلم منتظر است که ارتباط آنها را با هم پیدا کند .

نویسنده داستان به راحتی می توانست گزینه این ۳ نفر را در خانه روبه رو با ۳ دختر همسال تنظیم کند که در آخر فیلم به ازدواج و سر به راه شدنشان ختم شود .

با این فرض انتخاب سن بازیگر های زن به جا نبود ، مثلا به جای نقش طلا می شد خانمی بالای ۴۰ سال باشد که از نظر بیننده یک همسانی ای بین عباس و او پیدا شود .

۵۹- نکته منفی : قصه ۴ دختر به سر انجام نرسیده است . یعنی مخاطب منتظر بود که سرنوشت این ۴ دختر را بفهمد ، نه اینکه همچون تبلیغ کالای بازرگانی و فیلم پرکنی ، در صحنه هایی کنار دست ۳ مرد مجرد ظاهر شوند و بعد غیبتشان بزند .

۶۰- نکته منفی تاکیده‌های مداوم در جای جای فیلم به کسب پول و طلا و مادیات و ... که مولفه های اصلی جامعه منحط بورژوازی است با ارکان جامعه ما تعارض جدی دارد. ما نباید مسیری که غربیها رفته اند و به فروپاشی خانواده و اجتماع رسیده اند را تکرار کنیم.

۶۱- نکته منفی: ارائه الگوهای غلط سبک زندگی مثلا سر کشیدن بطری ۱.۵ لیتری نوشابه و آروق زدن بد توسط عطا که به عنوان تشویق این عمل (مثلا شیرین کاری)، بهت و حیرت دخترها ضمیمه شده است.



وقتی فست فودها و نوشابه توسط متخصصین طب تحذیر شدید شده است و دعوت به اینها، یعنی دعوت مردم به انواع امراض و بیماریها و همین عادات غذایی بد، هزاران میلیارد به کشور و مردم ما ضرر وارد کرده است و ... لذا تاکید به این نوع صحنه ها امام ضلالت و گمراهی شدن است.

۶۲- نکته منفی : دقیقه ۳۱:۳۸ مسخره کردن پیشانی بلند، که یک استعاره زیبا در فرهنگ عمومی ماست و احساس سعادت و خوشبختی را به شنونده القا می کند ، متاسفانه در این فیلم زده می شود .



عباس : " از حق نگذریم این پیش بینی اش از همه درست تر در آمد گفت پیشانی ات بلنده پسر م از اینجا تا اتوبان کرج خداوند متعال به ما پیشانی عنایت کرده "

باز ورود به خط قرمزها آیا مخلوقات الهی لایق مسخره کردند ؟ خدایی که گفته در همه جهان و کائنات بگردید آیا کاستی یا فتوری در آن پیدا می کنید ؟ و... آیا اینگونه باید جواب خدا را داد که از مخلوقات که جزء عالم جبر است ایراد گرفت ؟

۶۳- نکته منفی دقیقه ۳۱:۴۳ حمله فیلمساز به اذکار مقدس ، پیرزن فرتوت و کودن در برابر شنیدن این همه توهین جواب می دهد " الحمدلله هزار الله اکبر "

باز در نوردیدن خطوط قرمز و سعی در استحاله اذکار الهی

اما به کوری چشم دشمنان خدا که هر چه منتسب به اوست را اینگونه به سخره می گیرند ما رسوایشان می کنیم

اینکه در هیچ جای فیلم کلمه ای از خدا برده نشد به شدت ، به شدت شک برانگیز است البته یک جا بود از زبان پیرزن فرتوتی که دروغگو بود " ها من نمی شنوم بلندتر بگو ... با ۵۰۰۰ تومان زبانش باز شد " و پول پرست بود و نسبتی با رمالی داشت : گفت الحمدلله ، آن هم در ازای شنیدن پیش بینی رمال قبلی

گو اینکه حرف آن رمال یقینی بوده است که ای کاش نمی گفت . خلط راست و دروغ و حق و باطل و بازی با اعتقادات جامعه در این صحنه ها موج می زند .

توضیح : تکنیک موثری وجود دارد به این ترتیب که اگر می خواهید ارزش خوب و مثبتی را خراب کنید آن را در دهان آدمهای بد قرار دهید یا ضد آن ارزش مثبت را در دهان آدمهای ظاهر الصلاح بزارید به همین راحتی عوام فریب می خورند .

البته مصلح جامعه به عنوان کسی که ذات پاکی دارد ، حرفهای (و اعمال) خوب آدمهای خوب و حرفهای بد (و اعمال) آدمهای بد را برجسته می کند تا مخاطبش در دستگاه فکری و ادراکی خود به تشخیص و فرقان برسد . و نه بالعکس.

۶۴- نکته منفی : دقیقه ۳۱:۵۱ حمله به کلمه رحلت

می دانیم در اسلام رمالی و سحر و جادوگری مکروه و مذموم و ممنوع است پس کسی که به این امور می پردازد به درک واصل می شود به جهنم می رود رحیل بودن رحل بستن و رحلت و راحل کلماتی است که در مورد بزرگان دین ، عرفا و مصلحان بشری به کار می رود نه اینجا

۶۵- نکته منفی : با بهانه قدرت پیش بینی آینده توسط عطا فیلمساز به طور غیر مستقیم اصرار دارد تا رمالی را دارای آبرو و وجهه کند . مخاطب عوام که از جزئیات احکام بی خبر است ، از این صحنه ها تاثیر می گیرد .

۶۶- نکته منفی دقیقه ۵۷ بیانیه حسن و تعریفش از خود " ما ته لایم ، ۷ خط ۷ خطیم ، هر رقم خلاف هم که بگی ما کردیم ، اسلحه بلند کردیم و گلوله زدیم ، گلوله خوردیم ، مامور قلابی بودیم ، جعل سند کردیم ، زندان رفتیم ، هیچ خلافی نیست که ما نکرده باشیم و..." آیا جوان خوش رویی که به عنوان نماد جوان بسیجی در فیلم نمایش داده می شود باید اینگونه سخن بگوید . این همه اصرار فیلمساز به بولد کردن و توجه دادن مخاطبش به انگاره های منفی و گناه چه معنی ای می دهد ، مگر نه اینکه فرضا با معتبر دانستن قانون راز و جذب ، به هر چه توجه کنی همان را جذب می کنی . آیا فیلمساز که از تکنیک تابلو کائنات در ابتدای فیلم ، استفاده کرده است از این اصل غافل بوده و یا به عمد با استناد به تکنیک ارائه شده در قانون جذب (راز) به تاکید روی منفی ها اصرار دارد. تا این موارد منفی ، جلوه و بروز بیشتری در اجتماع پیدا کند .

که در این صورت وای به حال مسئولین فرهنگی کشور .

۶۷- نکته منفی : دقیقه ۵۸:۲۶ در این صحنه چه می بینید



کدام ذهن مریضی است که پلیس را در بند می خواهد و خلاف کار را آزاد و مفتخر به خلاف خود

۶۸- نکته منفی دقیقه ۵۹ اشاعه فحشا مردان زن نما در حالت اغز جره اش



۶۹- دقیقه ۶۰:۰۹ بولد کردن درندگی گرگهای جامعه و نبود مرد برای برخورد با آنها

مکالمه " این یارو دایی مقتول است چشمش دخترها را گرفته , کدامشون را ؟ هر کدام که قبول کنند ؟ می گه پول دیه , مهریتون , و... "

اشاعه فساد در مردان میانسال ایرانی و ظالم بودنشان و ... بدون معرفی راه حل ، سوال : این ماجرا چه دردی ، از کسانی که فیلمساز مدعی نمایندگی آنهاست ، دوا می کند . آیا فقط قرار است که فیلمساز شلیک کند و همه چیز را به بهانه نقد کردن ، بکوبد ؟ و هیچ رسالت دیگری برای خود متصور نیست ، مثلا هیچ کس نیست جلوی این ظلم آشکار آن نامرد ، بایستد و ... ، غیرت و حق طلب بودن به ادعا نیست به عمل است .

عجیب اینکه ، فیلمسازی که اینقدر نگران عفت کلام در تلویزیون است (چون به خانه مردم راه دارد) هیچ مرزی برای اشاعه فحش و کلام زشت در سینما برای خود قائل نیست .

دوباره اشاعه فحشای زبانی "مرتیکه پفیوز" که اثرش لجنمال شدن فکر مخاطب است .

۷۰ - دقیقه ۶۱ در معرفی وجود کافه های زیر زمینی به طور عام و "گالری زیبا" به طور خاص

عطا : " الان رستورانهای درجه یک تو کل تهران هست چینی اسپانیایی تایلندی عربی ولت پارتی و ... " و آغوش باز کردن برای سبک زندگی فرهنگ مهاجم غرب و ...

تبلیغ تهران، برای شهرستانی ها و کاشتن تخم مهاجرت به تهران در ذهن آنها و تخم حسرت در ذهن جوانان پایین شهر .

۷۱ - نکته منفی : دقیقه ۵۴:۶۱

عطا : " ما پول داریم می فهمی ، ما حرف اول را داریم می زنیم ما پول را در می یاریم و می ریم تو اولین کسی که آمد شروع می کنیم به انعام دادن و ... "

دقیقا عطا با بیان این حرفها که همراه با احساسات قوی است در حال کاشتن این روئیاها در ذهن مخاطبانش است که بنده پول باشید و پول را اینگونه حیف و میل کنید تا دیده و شناخته شوید و کمبودهای شخصیتی خودتان را بپوشانید و این رفتار را به عنوان یک ارزش قبول کنید و ...

این سخنان بیانیه ایدئولوژی کاپیتالیسم است ، که البته تمدن غرب را ، با توجه بیش از حد به نظام پول مبنا ، تا مرز فروپاشی کامل کشانده است . (بدهی های جهانی)

۷۲- دقیقه ۶۳ اشاعه و القاء تنها خوری و عدم انصاف در تقسیم مال



۷۳- در صحنه آزاد کردن حسن و دوست دخترش از کلانتری بازی عطا در نقش پیرزن که ، مثلاً با حجاب آمده ، هم توهین به پلیس است هم وهن حجاب و توهین به حجاب را القا می کند و باید از ذهنیتی که این همه عناد و دشمنی با نمادهای شیعی و دینی و ایرانی دارد ، ترسید .

لذا به شدت باید در مورد عوامل نویسنده و کارگردان و فیلمنامه نویس و ... این فیلم تحقیق شود

بدانیم در صفین ، علی (ع) را معاویه شکست نداد ، نفوذی هایی از درون لشکر خودش او را شکست دادند ، وقتی عمارها شهید شدند ، اشعث غیث ها میدان دار شدند و مردم را چنان تحریک کردند ، که تیغ زیر گلوی حضرت بگذارند که فرمان بده مالک برگردد .

حیف از این همه فکر قوی ، که به جای استفاده از این نگاه تهاجمی ، جهت اشاعه فرهنگ ایرانی و اسلامی به دنیا ، آن را جهت ضربه به خودی در لفافه ای از طنز به کار می گمارد .

۷۴- نکته منفی : اصرار عجیب فیلمساز نسبت به تحقیر پلیس و نیروی انتظامی کاملاً شک برانگیز است

۱- صحنه ای که عباس معتادها را از دخمه بیرون می کند می گوید "برادران انگلی به خط تحویل جامعه "

کنایه از آزاد کردن معتادان یک روز پس از دستگیری توسط نیروی انتظامی غافل از اینکه آنها از روی ناچاری اینکار را می کنند وظیفه آنها صرفا جمع آوری است نه نگهداری. وقتی سایر دستگاههای دولت لیبرالها که مخالف سوسیالیزم (از حیث خدمات عمومی) هستند، و وظایف خود را درست انجام نمی دهند، باید نیروی انتظامی را زیر سوال برد؟.

۲- صحنه دستگیری افراد در کافه خصوصی با آن همه نیرو

صحنه ای که مسئول آن تیم حتی یک کارت شناسایی هم نسبت به ادعای پلیس نامحسوس بودن این ۳ نفر درخواست نکرد و مطیعانه عقبگرد کرد.

۳- در همان صحنه حتی متوجه مست بودن نفر ۳ نشد. در همان صحنه حتی شک هم به این ۳ نفر نکرد در حالیکه بر فرض مامور مخفی هم باشند باید خود را شمایل سوسولی درست می کردند نه بسیجی

۴- در پلان آزاد کردن توسط پیرزن

البته سعی شد در یک پلان پلیس را هوشیار نشان بدهد، که البته کاملا بلیهانه بود، اینکه آدم خلاف کار برود پشت اتاق یک کلانتری و اینقدر بلند صحبت کند که آنها هم بشنوند و سپس آنها هم اینقدر بیکار باشند که بخواهند مزخرفات این دو را بشنوند و تازه خیلی راحت هم آزادشون کنند و....

۷۵- نکته منفی: گریم کاوه آهنگر شبیه سرخ پوستهای وحشی آمریکایی یا آفریقایی بود که به هیچ وجه با سنت قدیم ایران مطابقت ندارد به علاوه اینکه در تیتراژ آخر فیلم این ۳ نفر کنار دریایی آفریقایی، بودند، هم می تواند مصداقی از تهاجم فرهنگی باشد.



۷۶- نکته منفی: اشاعه انحراف اخلاقی عطا و آموزش مزاحمت برای خانمها و نوامیس مردم

تاکید چند باره به چشم چرانی، و صحبت با نامحرم به بهانه های واهی، تا سر حد ایجاد مزاحمت، نوعی ساختار شکنی است، ولو به بهانه انعکاس وضع موجود، نباید دامن زده شود. مخصوصا در این وضعیت حساس جامعه.





۷۷- نکته منفی دقیقه ۳۰ تهاجم فرهنگی با اشاعه موسیقی خارجی در پس زمینه

همینطور بولد کردن استفاده از اتوموبیل لوکس غربی و تفاخر به آن ، وقتی همه شعارهای وطنی ، اقتصاد مقاومتی است ، نوعی دهن کجی به شمار می رود .



۷۸- نکته منفی دقیقه ۳۱

بازی با کلمات، برای تحریف آنها از معنا، حمله به کلمه مقدس "حق" و به کار بردن آن در مورد یک پیرزن
رمال ساحره و ...

حسن " یعنی خدایامرز نفسش حق بود کرامات داشت از پیش بینی هاش ... "

اصراری و تسلط فیلمساز یا تیم نویسنده او به بازی با کلمات در جایگاه نا به جای خود نشان از اشراف آنها به
نظریه فلسفی ویت کن اشتاین و بازیهای زبانی او دارد، که متاسفانه، از این قابلیت نه برای اقامه حق و زدن باطل
که در جهت عکس آن، استفاده شده است. تحذیری که خداوند نسبت به اهل کتاب داده است

يا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می آمیزید و) مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را
پوشیده می دارید در حالی که می دانید!؟

۷۹- نکته منفی دقیقه ۳۲:۵۷



نشان استخوان و جمجمه (The Order of Skull and Bones) نشان یکی از گروه های فراماسون قدرتمند در آمریکا همراه با یکی از شعار های شیطان پرستها .

حمله به کلمه روح به جهت استحاله آن و تحریف معنای آن

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (الإسراء/ ۸۵)

و از تو درباره «روح» سؤال می کنند، بگو: «روح از فرمان پروردگار من است؛ و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!»

که بنا به نمادگرایی فراماسونرها و اصرار جنون آمیزی که برای استفاده از این نمادها به عنوان امضا و اثر انگشت در فیلمها و آثار نقاشی و هنری و معماری دارند ، می توان حدس زد که یا تعدادی از دست اندرکاران این فیلم ، فراماسونر هستند یا برای خوش رقصی به اربابان غربی خود ، از این نمادها استفاده می کنند.

۸۰- نکته منفی اشاعه فحش و کلمات رکیک که فکرها را لجن مالی می کند .

حیوان ، ضعیفه ، حرومزاده های عوضی ، گورت را گم کنید ، پدرتان را در می یارم ، هوشه ، نکبت ، هوی ، نفله ، کره خر، دزد و تخم جن

لجن مالی کردن مکالمات در فیلم ، که قطعاً تاثیر منفی خودش را در روان مخاطب می گذارد . هیچ قرابتی با بچه های انقلاب و بسیجی ندارد و لعنت بر کسی که قصد دارد همه بدیهایی که خودش لایق آن است را به حزب اللهی ها نسبت دهد .

۸۱- نکته منفی دقیقه ۳۴ صحنه های دعوا و قمه کشی که با موسیقی شبه حماسی و طنز بیننده را به بروز رفتارهای مشابه ، در موقعیتهای مشابه ترغیب می کند .



۸۲- نکته منفی دقیقه ۲۵:۳۵ نمایش و عرفی کردن صحنه های جادوگری و عرفانه های کاذب نوظهور



کاربرد نماد نحس اسکلت و جمجمه در تصویر

دست گذاشتن روی باورهای خرافی عوام برای تحمیق آنها و آبرو خریدن برای دزدها و شیاطین انسی. همان بخشی که حتی مارکس هم از آن انتقاد داشت و گفت: دین افیون توده هاست .

۸۳- نکته مثبت - دقیقه ۲۴:۳۷

مشکلات عمومی مردم شناسانده می شود ولی هیچ راه حلی برای آنها ارائه نمی شود .

عباس در جواب مردی که ماشین خود را یک هفته گم کرده بود

"مالیدی ماشین زیر پای آقازاده است رفته باهش عشق و حال "

مشکل پدرانی که در تربیت فرزندان خود کم گذاشته اند و آنها هرزه ای شده اند , که هم به جان خودشان , هم به جان خانواده شان , هم به جان جامعه افتاده اند .

دقیقه ۴۰ مورد ۲ دکتر مسئول دولتی و مشهوری که علم مدیریتش به کارش نیامده و مشکلش را حل نکرده و آویزون این افراد شده است :

"حس می کنم در دم و دستگام جاسوس هست , اطلاعاتم درز می کنه , به رقبای بیزینسی , رقبای سیاسی و ... می خواهم بدونم کجا سوراخه "

۸۴- نکته منفی : دقیقه ۴۳ مورد سوم نفرین مادر دختر در مورد بسته شدن گره بخت دخترش

عشوه گری در کلام دختر "سلام حاج آقا" (حمله به کلمه حاج آقا برای استحاله آن) عشوه در حرکات دختر و آرایش غلیظ که باز قطعا بنا به قانون جذب توجه مخاطب به امور منفی , بیشتر از اینکه اثر کاتارسیزم و تصفیه داشته باشد , به اشاعه فحشا می انجامد .



اشاعه چشم چرانی و تجاوز کلامی " به به , سلام به روی ماهت , .. "



مسخره کردن فیلترینگ و تمهیدات مربوط به ممانعت از اشاعه منکرات ،



دختر : دانشجوی مادلینگ

افتخار دختر به گفتن کلمه مادلینگ ، تهاجم فرهنگی دشمن در عرصه زبان ، یعنی آویزون زبان بیگانه شدن برایش مهم و افتخاره ، یعنی دختر ، ضعف هویت و شخصیت دارد .

۸۵- نکته منفی : نسخه ای که عباس برای این دختر می پیچد : " شما قید شوهر را بزن "

آیا این ضد پیام و ضد ارزش مغایر با همه اسناد و قوانین شرعی و فقهی و دینی و عرفی ما نیست؟

عباس " درس و تحصیل را ادامه بده " همه عقلای جامعه معترفند که سر کار گذاشتن دختران جامعه با درس و دانشگاهی که در علوم انسانی هیچ حوزه با ارزشی ندارد ؟ بزرگترین خیانتی است که جریان رفرمیست کشور به تبع فمنیستها ، در حق دختران و همه جامعه انجام داده اند ، این نسخه غلط و اشتباه است و باید برعکس آن انجام شود . و باز استفاده منفی از قانون جذب . تمرکز به منفی ها ، باعث تغییر رفتار به خوبی ها نمی شود .

۸۶- نکته منفی : حمله به احادیث ائمه و کلام بزرگان دین ، جهت استحاله آنها ، مسخره کردن حدیث پیامبر و به کار بردن آن در مکان و جایگاه نامناسب " ز گهواره تا گور دانش بجوی " اثر آن را روی مخاطب از خاصیت می اندازه . این دیگر طنز نیست ، این تیغ کشیدن علنی علیه تعالیم حقه شرع مقدس است .

۸۷- نکته منفی : اشاره به رشوه حتی در این امور باطل و آموزش آن به مردم که صف را رعایت نکنید و دور بزنید و با دادن پول مسئول مربوطه را بخرید ...

۸۸- نکته منفی دقیقه ۴۴



دراوری که , عکس افراد مشهور در آن کنار هم چیده شده است اما همه می دانیم هر نوع شهرتی خوب نیست مثلا فیلسوف اسپینوزا در فلسفه انحرافی همه خدائیش و اوشو در عرفان کاذبش و جان لاک در بنیانگذار لیبرالیسم و ... هیچگاه ارزش این را ندارند که در کنار بزرگانی چون سعدی و دکتر حسابی و .. قرار بگیرند .

ما باید عناصر هویت ملی و تمدنی خود را بولد و برجسته کنیم و بین داشته های خوب خودمان با داشته های مخدوش تمدن مهاجم غرب فرق قائل باشیم لذا حداقل بنده این صحنه را نمی پسندم .کنار هم قرار دان افراد مومن و کافر , نوعی خلط فهم است .

۸۹- نکته منفی دقیقه ۴۴ شوخی با اسطوره های مقاومت جهانی و تحقیر و مسخره کردن آنها , از سیاستهای غرب و غرب پرستان بوده و هست "این منصور .. است هیچ کی این آدم را تحویل نمی گرفت " عباس : "این فیدل کاسترول است " به طور مسخره آمیزی شبیه روغن موتور کاسترول , غلط تلفظ شد . پیام این صحنه برای مخاطب بی خبر از عرصه مبارزات جهانی این است که الگوهای مقاومت جهانی را هیچ کس تحویل نمی گیرد , پس به آن سو نرو و ...

در مورد عظمت آزاد مردی چون "چه گوآرا" همین بس که بعد از آزاد کردن کشور خود از دست امپریالیزم آمریکا ، بالاترین مقامات حکومتی را رها کرد و برای نجات سایر کشورهای منطقه، به آن کشورها مهاجرت کرد . و در اثر خیانت یک جاسوس دستگیر و اعدام شد . همیشه تاریخ بزرگترین دشمنان هر ملتی مزدوران و جاسوسان آن ملت بوده اند .

۹۰- نکته منفی دقیقه ۴۶ عباس به عطا " تو ۵ سال تو این دنیا نبودی خیلی چیزها عوض شده "

القاء اینکه با عوض شدن دولت و روی کار آمدن جریان رفرمیست لیبرال ، باید از ارزشها دست برداشت یا در این ۵ سال خیلی ها از ارزشها و اعتقاداتشون دست برداشتن ، تو هم باید برداری .

و باید این موقعیت را به عنوان شرایط جدید ، بپذیری (کافه ، اختلاط دختر و پسر، سرو مشروب و ...) ولی جریان پشت پرده فیلم ، کور خوانده اند ارزشها ثابت و لایتغیرند و با ذات خود خداوند تعریف شده اند ممکن است افرادی انقلابی خسته ای هم پیدا شوند ، و وا داده باشند ولی هر عیب هست ز مسلمانی ماست ، اسلام به ذات خود ندارد عیبی .

۹۱- نکته منفی دقیقه ۴۶ تکرار مجدد فحش : " سگ تو روح ذهنیتت " شکل دیگر سوال ماتریالیست هاست که می گویند آیا تو به روح اعتقاد داری؟

البته با حالت تحکم و پیش داوری متعصبانه توسط شخصیت قاهری همچون عباس ، مرتب تکرار می شود ، وای به حال مخاطب عوام ، وقتی با این جملات بمباران می شود و...

۹۲- عباس : "حالت تدافعی بگیرید " یقه ها را می بندند و عباس لچکی سر می گذارد .

در این تصویر باید به فیلمساز آفرین گفت که به خوبی روحیه و رفتارهای نفاق آمیز را به تصویر کشیده است

منافقان از ظاهر الصلاحی برای دفاع از موقعیت خود استفاده می کنند و اگر نه همان شیاطین پیشینی هستند



عباس : " اوصیکم بتقوا الله مفسدین فی الارض و لعنته الله علیکم اجمعین " با این عبارات , کاربرد مغرضانه کلمات مقدس و تحریف آیات قرآن رقم خورد

حال به آیات اصلی قرآن در مورد لعنت نظر کنیم :

... فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (البقرة/۸۹)

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (البقرة/۱۶۱)

کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود!

أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (آل عمران/۸۷)

کیفر آنها، این است که لعن (و طرد) خداوند و فرشتگان و مردم همگی بر آنهاست.

وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمِدًا فَبِجَزَائِهِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (النساء/۹۳)

و هر کس، فرد باایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می ماند؛ و خداوند بر او غضب می کند؛ و او را از رحمتش دور می سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آماده ساخته است.

لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا (النساء/۱۱۸)

خدا او را از رحمت خویش دور ساخته؛ و او گفته است: «از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت!

قُلْ هَلْ أَنْتُمْ بِبَشَرٍ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَءَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ
أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنِ سَبِيلِ (المائدة/۶۰)

بگو: «آیا شما را از کسانی که موقعیت و پاداششان نزد خدا برتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده)، و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده‌اند؛ موقعیت و محل آنها، بدتر است؛ و از راه راست، گمراهترند.»

...أَنْ لَّعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (الأعراف/۴۴)

...أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (هود/۱۸)

...يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (غافر/۵۲)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حالشان نمی‌بخشد؛ و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است.

و آیه

...وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ (الأُنعام/۲۱) (الأُنعام/۹۳) (الأُنعام/۱۴۴) (الأعراف/۳۷).... ۴۰ بار
چه کسی ستمکارتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته [= همتایی برای او قائل شده]، و یا آیات او را تکذیب کرده است!؟

قضات و بازرسها، مراجع عظام و مسئولین فرهنگی و معلمان و همه متولیان دین و فیلمسازان کلاه خود را قاضی کنند.

۹۴ - نکته منفی دقیقه ۵۴ بیانیه حسن " دنیا زمین بازی پولدارهاست ما فقط به دنیا آمديم استادیوم خالی
نمانه "

توجیه فلسفی نظام پول مینا است، که در آن کارخانه دار های چاپ پول که از آن یهودیها، راکفلرها و مدیچی ها و است همه کاره اند و سایرین باید بنده خدای پول و تابع صاحبان پول باشند،

تشویق به هم‌رنگ با جماعت خواب ، همچون باقی تماشاچی های استادیوم صورت می گیرد ، با وجود اینکه باطل است .

۹۵- نکته منفی دقیقه ۷۶ بولد کردن مشکلات واقعی مردم بدون اینکه راه حلی ارائه دهد به سیاه نمایی میل می کند .

مشکلات مردم پیرزنی که از فشار زندگی می گوید .

پیرمردی که چند شغل عوض کرده و هر بار به قول خودش نشد .

پیرزنی که برای بچه دار شدن دخترش آمده است.

پسرک سگ به بغلی که احتمالا مسئله جنسی داشته و عباس امتناع می کند .

زنی که از هبویش شکایت می برد "قبلیه بی بر و رو بود ولی این یکی فتنه ۲۰۱۶ است .

مردی که از رفتارهای زنش شاکی است "جن زده شده خوابزده یا ..."

مرد با آبرویی که گویا سرمایه اش را از دست داده است .

زن معلولی که از شوهر و پدرش و مشکلاتش می گوید .

مرد ترک زبانی که تحت فشار خانواده یا افرادی قرار گرفته و در سر خود می زند .

۹۶- نکته منفی دقیقه ۷۸ صحنه سازی پلیس اطلاعات امنیت ، برای مچ گیری این باند ، خوب بود ولی وقتی نتیجه اش لو رفتن باشه ، اثر آن خوبی گم میشه و حتی اثر معکوس دارد . یعنی وقتی مخاطب دست بالای دزدها را می بیند (اینکه پیشاپیش دروغگویی پلیس ها را به رخشان می کشد) اقتدار پلیس ضربه می خورد .

۹۷- نکته منفی دقیقه ۷۹ بیانیه فیلمساز گفته می شود و چنان خلط موضوع می کند ، که مخاطب در فتنه می افتد



عباس " همانجور که ایشان فرمودن دروغگو مائیم اوباش و اراذل مائیم مفسد فی الارض مائیم دیوث اقتصادی و سیاسی مائیم " مگر همه این صفاتی که حسن به صورت تعریضی به کار برد، در موردش واقعیت ندارد ؟

لوث کردن سخن مرجع تقلید آیت... جوادی آملی که واژه دیوث سیاسی را احیا کرد و آن را خطاب به کسانی که راه غلبه دشمن را بر ملت خودی باز می کنند به کار برد .

از اینجا به بعد با بیان افسادات کلان ، موضوع را خلط می کند ، که خود و امثال خود را از اتهامات مبرا معرفی کند

عباس " هر چی برده شده و خورده شده در این مملکت این ها بردن اشاره به نوچه هاش حسن و عطا "

" هر چی بچاپ و بچپون بوده کار ما بوده

یارو از گشنگی کارش به کلیه فروشی افتاده

جوانها مافنگی شدن بیکار شدن نون ندارن بخورن

طلاق ملاق زیاد شده همه اش گردن ما

آب دریاچه ارومیه را ما سر کشیدیم

لایه ازن را هم ما سوراخش کردیم "

سوال این اعتراض به کیست ؟ این نوع عربده کشی در حضور مردم ، آموزش لیدر شدن در اغتشاشات شهری است ، همه مشکلاتی که ذکر شد و خیلی بیشتر ، به دلیل وجود دشمنان بیرونی و درونی ، نفوذی ها و غربگراها و

رفرمیست ها و لیبرال ها , ضد انقلابها , وهابی ها و کشورهای سلطه طلب تمدن هژمون غرب , جنگ اقتصادی آمریکا با ایران و کارشکنی صهیونیست ها و جنگ ارزی ارتش آمریکا علیه ایران , تحریم های داماتو و ... است چرا با ندیده گرفتن , علل وضع فعلی به نیروی انتظامی نهیب زده می شود .

۹۸- نکته منفی دقیقه ۸۰:۰۹ بعد از این بیانیه تکه ای از گشت ارشاد ۱ می آید عطا " تکبیر "

دست و هورای جمعیت حمله به شعار اول اسلام و اذان و نیت در نماز آیا اگر کسی فریاد تکبیر سر دهد , جمعیت موافق باید بگوید الله اکبر یا دست و هورا بزند . و ... وای به حال نوجوانی که این همه تمسخر نسبت به ارزشهای انقلابی و اسلامی و شیعه را با بمباران ۳۶ فریم در ثانیه تحمل می کند .

و حسن : آبروی مومن احترامش از خانه خدا واجبتره (فضای هیجانی) مصادره به مطلوب کردن , دست بردن در تعریف مومن و سعی در استحاله احادیث بزرگان دین , چیزی جز نفاق , فتنه , خیانت نیست .

آیا عباس مومن است و شاخصه های ایمان از او بروز نموده است که در جایگاه مصلح اجتماعی اظهار فضل می کند ؟

اما به قول معروف , وقتی آب سر بالا بره , غورباقه ابو عطا می خواند , وقتی , مسئولین روحانی مملکت حرفهای ضد دین می زنند و کشف لباس می کنند و ... جولان یافتن خلاف کارها , در صحنه دین چندان دور از انتظار نیست .

۹۹- نکته منفی دقیقه ۸۲



عطا از پدر یکی از دخترها (نشانی) می دهد شهید گمنام



ولی دختر شهید گمنام بی سر پناه و تنها و بی کس و مجبور به کار موسیقی

و بعد استفاده از این فضای روحانی برای اشاعه بدعت حضور زنان در ساز و موسیقی



یاد جملاتی از مختارنامه افتادم ، فتنه یعنی سکه ای که یک رویش نام خداست و (خوبیها) و روی دیگرش نقش ابلیس عوام نقش خدایش را بینند و اهل معرفت نقش ابلیسش و ... فیلمساز در این صحنه ، در کنار همه حملاتی که به دین و اعتقادات مردم کرده است ، همچون جمله ای معترضه یادی هم از شهدا می کند تا عوام با پذیرش این خوبی آن بدیها را هم قبول کنند . یا اثر زشت آن بدیها ، دامن شهدا را هم بگیرد و...

۱۰۰- نکته منفی : روئیا سازی در ذهن دختران جوان با تکرار مدام این صحنه ها، قباحت زدایی از آلات موسیقی و عرفی کردن آنها و توجه افرای به آن ، گویی تنها هنری است که دختران باید داشته باشند

فیلمساز ، چنان قانون جذب (راز) فرهنگ هژمون غرب را باور دارد که به طور افراطی از آن جهت ، توجه دادن مخاطبش به ارزش های غیر دینی و غربی استفاده می کند .







۱۰۱- نکته منفی - دقیقه ۸۶ آموزش دلیل منطقی و متقاعد کننده و برانگیزاندن به قتل

این فیلم رکورد ، نمایش و ترغیب به خلافها و گناهان را در سینمای جمهوری اسلامی شکسته است و به آخرین حد از گناهان ، یعنی قتل هم ورود می کند .

پسری که از پدرش دزدیده بود: "کسی که بابام را به من می فروشه یک روز هم من را به یک بابای دیگه می فروشه و شلیک " کلکسیون اشاعه منکرات و فحشا با این جور نسخه پیچی برای قتل عمد کامل شد. و هیچ نشانی از پلیس و عقاب مشاهده نمی شود. لازم به ذکر است کشتن دلیل و انگیزه می خواهد نه اسلحه , وقتی فیلمساز یک دلیل به ظاهر منطقی را برای کشتن بولد می کند , به عامل اصلی قتل ها یعنی انگیزش , متمرکز شده است . و متاسفانه اثر منفی آن به روح و روان مخاطب می نشیند . صحنه های بسیار حساسی از جمله قتل , باید ذیل دلایل عقیدتی حق و باطل , تقسیمندی شود , یعنی ۱- مثلاً یک اهل حقی , بر سر یک موضوع حقی , یک اهل باطلی را به درک واصل کند . ۲- یا یک اهل باطلی بر سر یک موضوع باطلی با یک اهل حقی مبارزه می کند و در نهایت ولو با پیروزی موقتی , کشته و نابود می شود . ۳- یا یک اهل حقی با یک اهل حق دیگری بر سر موضوعی فتنه انگیز (که حق و باطل خلط شده) مبارزه می کند و در نهایت هر دو متوجه حقیقت می شوند و کسی کشته نمی شود ۴- یا یک اهل باطلی با یک اهل باطل دیگری بر سر موضوع باطلی مبارزه می کند و در نهایت هر دو به درک واصل می شوند .

اما اینکه یک اهل باطل به دلیل یک منطق درست و حقی , یک اهل باطل دیگر را بکشد , فتنه ای شبه ناک است که در هیچ یک از تقسیم بندی های فوق نمی گنجد . و موجب اغتشاش و خلط فکری مخاطب می شود .

دقیقه ۴۵:۸۶

آموزش کشتن و دفن کردن در انبار گچ یا نمک

۱۰۲ - دقیقه ۸۸ رجز خوانی حسن: "خودش بیاد خودش را می زنیم با آدمهایش بیاد آدمهایش را می زنیم ..."

حمله به رجز خوانی در فرهنگ شیعی و تلاش برای استحاله آن .

همانطور که در اغلب رویه های این فیلم مشاهده می شود , هدف استحاله ارزشها, جزء لاینفک صحنه های این فیلم است , رجز خوانی در شیعه علیه نیروهای باطل و در راه حق است , یعنی جهت دارد , به سخره گرفتن این سنت حسنه , با این ادبیات لاتی و کاملاً بی جهت , محل اشکال است .

دزدی با لباس و هیات نیرو ویژه امنیت , و سخن دروغ "دور تا دور اینجا را پلیس محاصره کرده "

آیا واقعا نیروی انتظامی چنین مجوزی داده است؟ نیروی انتظامی که به قول رهبری باید ملجا و پایگاه اعتماد مردم باشد، اینگونه باید دستاویز دزدها قرار بگیرد. اگر فردا روزی مخاطبان این فیلم با دیدن یگان ویژه امنیت، به یاد این صحنه بیافتند و با خود بگویند نیروهای ویژه همه دزد و خلاف و ... هستند، چه جوابی می خواهند بدهند.



۱۰۳ - دقیقه ۹۲ تمرکز روی موشه دایان، حسن "یک چیز تو مایه های فحش خواهر و مادره"
فیلمسازان با به کار بردن، نماد تک چشم فراماسونری، ولو به بهانه مسخره کردن موشه دایان، گویی امضا و اثر انگشت زده اند و تعلق خود و این اثر را به همه فرماسونرها و صهیونیسم جهانی ابلاغ کرده اند.

آیا این روش مبارزه با صهیونیسم است؟ تاکید و تکرار چند باره این نماد و این نام نحس ، در راستای فرمول ، دشمنت (یا مخاطبت) را به منفی ها متوجه و متمرکز کن تا او خود را به دام آنها بیاندازد . است .



۱۰۴- دقیقه ۹۲ حسن : "تو همه چیزت قلابیه ما فقط لباس و اسلحه مان "

اگر این جمله را استعاری در نظر بگیریم که اسرائیل و اسرائیلی ، تو همه چیزت قلابیه ، باید این راهم بپذیریم که ما هم طبق این فرمول ، لباس و اسلحه مان قلابی است ، در صورتی که اینگونه نیست اولاً هیچ فرمیست افساد طلبی ، لیاقت مبارزه با صهیونیسم شیطان صفت را ندارد ، ثانیاً همه بسیجیان ، انقلابی مدافع حرم و حریم ، لباس و ظاهرشون و اسلحه و امکاناتشون واقعی است و ... ثالثاً حکومت جهانی اسرائیل صهیونی عقبه و ریشه ۲۷۰۰ ساله دارد و نباید موضوع را ساده دید .

تاکید به موضوع چشم بند و موشه دایان و ... این توجیه ها فایده ای ندارد . حرمت نیروهای وزارت اطلاعات نباید شکسته می شد ، نیروهای امنیتی عیار و سنجه سلامت هر نظام حکومتی ای هستند. وقتی به جایگاه آنها حمله می شود و سعی در تحریف و استحاله آنها می شود ، همه باید هوشیار باشند .

۱۰۵- نکته منفی تیتراژ پایانی هم رقص و پایکوبی است در کنار ساحل آفریقایی



آیا نهایت حرفی که فیلمساز می خواهد بزند اینجاست؟ یک بهشت شداد و زمین ،
 فیلمساز ، جامعه هدف خود یعنی جوانان را ، بعد از دعوت به آن همه دزدی و دروغ و ... به خروج از ایران و
 تفریح در کنار دریا ترغیب می کند ، یا حداقل این آرزوی باطل را در دل آنها می کارد.
 ۱۰۶ - در دقیقه ۹۴:۴۳ عکسی خاص اولا مرغ و نه خروس ، ثانیاً حالت نشستن ول و رها ، ثالثاً قلیون در بغل



بیننده کنجکاوی که هنوز ذهنش مشغول است تا مفهوم این به اصطلاح ضرب المثل را بفهمد " مرغی که نوکش
 کج بود انجیر می خورد " با این تصویر رو به رو می شود . و بعد می بینیم که مرغ می خواهد انجیر بخورد ولی
 چون نوکش کج است ، انجیر به زمین می افتد ، یعنی مرغی که نوکش کج است ، حتی اگر بخواهد نمی تواند انجیر
 بخورد. حال اینکه فیلمساز مرغ را استعاره از چه کسی گرفته و انجیر را استعاره از چه چیزی گرفته ، را باید از
 خود او پرسید!؟

۱۰۷ - در دقیقه ۹۵:۱۰



فیلمساز در یک عکس ، خیلی چیزها را زیر سوال می برد .

در مستراح فرهنگی ، تفکیک جنسیتی معنی ندارد و اینگونه تجویز می کند که درهای مستراحهای زن ها و مردها بسته باید شوند و همه به طور عمومی از درب مستراح عمومی که باز است ، استفاده کنند ؟

توضیح : با توجه به ممنوع بودن هر گونه استفاده از پیامهای ضمنی در محصولات رسانه ای که قانون جهانی است ، شورای انقلاب فرهنگی و نهادهای نظارتی ، الزاما باید سواد رسانه ای خود را بالا ببرند ، تا بتوانند پیچیدگیهای ، این نوع پیامهای مضر در محصولات رسانه ای را کشف کنند و اگر نه به فیلتری ناکارآمد تبدیل می شوند که فکر نامناسب همچون تخم علف هرز در روح و روان مخاطبان کاشته می شود و آنجاست که هر خسارتی به بار بیاید ، آنها باید پاسخگو باشند . مگر اینکه ضرب المثل زیر در مورد آنها صدق کند.

گویند هر چه بگندد نمکش می زند وای به روزی که بگندد نمک

نتیجه گیری

موارد و نکات منفی دیگری هم بود که از بیم متهم شدن به دگم اندیشی و ارتجاع فعلا بازگو نمی شود .

حتی یکبار هم ، یک بسیجی واقعی به نمایش در نمی آید تا بیننده با دیدن تناقض رفتارهای این دو دسته پی به حقیقت ببرد .

لذا در مجموع بررسی و جمع بندی نکات مثبت و منفی از نظر اینجانب این اثر خفت بار ، هیچگاه با آثار قرینه اش در جریان فرهنگی انقلاب ، یعنی اخراجی ها قابل قیاس نیست و پاسبانان عرصه فرهنگ اگر خوابشان برود ، دهها دست از این فیلمها و محتوای باطل و خوش آب و رنگ تولید می شود و چنان موربانه وار هویت و ارزشهای ملی و تمدنی ما را در می نوردد که جز شرمندگی برای هیچکداممان چیزی باقی نمی گذارد .

اگر فیلمساز بدون اصلاح خود ، با همین روال پیش برود قطعا باید منتظر بود که در گشت(ارشاد) ۳ هتک حرمت روحانیت و هتک حرمت پاسداران و همه افراد شریف جامعه ، هتک حرمت همه مقدسات به طور علنی تر را شاهد باشیم .

سخنی با مسئولان

فیلمی که احتمالاً بالای ۱۰ میلیون نفر بیننده دارد، خیلی خیلی موثر تر از سخنرانی وزرا و رئیس جمهور هاست آیا باید سرسری به موضوع نگاه کرد؟

به هر حال باید به مسئولین هشدار داد که در نظر بگیرند که بودجه های کلان تهدیدات نرم و جنگ نرم که آمریکا و متحدانش به طور رسمی و علنی در عالیتین مراجع تصمیم گیری شان، علیه کشور و جامعه و تمدن ما تصویب کرده اند، کجاها خرج می شود؟

در جزء به جزء فیلم کار حساب شده فکری می بینیم، و کاملاً مشخص است که زحمت زیادی برای این فیلم کشیده شده است. و دقیقاً روی گسله های اجتماعی جامعه و روالهایی که اندیشکده های معاند غربی، برای شکست انقلاب اسلامی ترسیم کرده اند، قدم می گذارد.

این فیلم خسارت محض برای وزارت فرهنگ دولت لیبرالهاست و اگر پاسخ داده نشود، ضربه ای کاری است، به فرهنگ انقلاب و بسیج و ارزشهای والای اسلامی و الهی و ...

به نظر می آید این فیلم به عنوان یک فیلم پر و پیمان، برای شیطان شناسی، و نفاق شناسی، نفوذ شناسی، جنگ نرم فرهنگی دشمن علیه ما، قابلیت تدریس در مدارس کشور را داشته باشد. البته با حضور معلمی صادق و سالم و ذهنی هوشیار، که از زهر و انرژی منفی ای که فیلمسازان این اثر تولید کرده اند، پادزهری قوی تولید کنند و ...

سخنی با فیلمساز

پس از نگارش سطور فوق، مصاحبه ای از شما دیدم که حرفهایی برای جواب لازم داشت لیکن جهت جلوگیری از اطاله کلام فقط به چند مورد اشاره می شود.

در دقیقه ۶۸ خاطره ای از مرحوم معلم به عنوان پاسخ به سوال مجری (هدف شما از فیلمسازی چیست) نقل فرمودید: "ما دو نوع فیلم داریم، فیلمهایی که در کنار مردم می ایستند و فیلمهایی که در مقابل مردم می ایستند" جواب: این تقسیم بندی غلط است، خداوند در قرآن یکجا می گوید یا ایها الناس... (ای همه مردم) یکجا یا

ایها الذین آمنو .. (ای کسانی که ایمان آورده اید) یا یا ایها الذین اوتوا الکتاب (ای یهودیان و مسیحیان و ..) یا ایها الرسول (ای رسول به عنوان شخص خاص) یا ایها النبی (ای نبی یا کسی که وظیفه ات خبر رساندن است) و... یکجا مثلا مردم غرب هستند با آمار ۵۰ درصد زنازادگی و انواع فساد و فحشا , یکجا مردم تمدن ایران هستند با ۱۰۰ درصد حلال زادگی یعنی دوقطبی که به صورت فرمول که ارائه دادید , (مردم و مقابل مردم) غلط است . معیار برای فیلمسازی , همچون همه مشاغل دیگر , باید "حق و باطل" باشد, نسبت به خدایی که ثابت و لایتغیر است و لذا فیلمی که ساخته اید با معیارهای مردم مومنان انقلابی شیعه ایرانی , تناسبی ندارد و در برابر آنهاست.

فیلمساز: " اگر من مدافع گشت ارشاد ۲ هستم به هیچ دلیلی نیست , جز اینکه در کنار مردم ایستاده و در مقابل مردم نایستاده ... تعریف مردم ؟... " جواب : دو قطبی ای که سعی دارید ایجاد کنید , به خوبی از گرایش سیاسی شما پرده بر می دارد , از منظر رفرمیست های غربگرا , در هر لباسی ولو روحانیت یا فیلمسازی , بهترین شیوه حکومت , ادعای شیوه حکومت یونانی ها (دموکراسی) یعنی حکومت مردم بر مردم است (البته حتی خودشان هم به آن پایبند نیستند) که آن را ارجح از هر نوع سیستم حکومتی, از جمله ولایت امری الله و الرسول و اولی الامر می شناسید , لذا وقتی شما ثابتی به عنوان حق و الله را خوب نمی شناسید به دام , عوام گرایی , پوپولیسم , شعار مردم می افتید . حال اگر تصور شما از مردم , کسب رضایت قشر خاصی از ساکنان متمول شمال شهر , با شاخصه های سیگاری و سگ به بغل و لوکس سوار , دین گریز , لیبرال باشد , ساخته شما هم , همین رنگ و بو را می گیرد و به این ترتیب اصل غرض شما زیر سوال می رود . (یعنی عموم مردم به قول شما فرو دست) مگر اینکه بخواهید به زور القا کنید که خواسته های مردم شمال شهر با خواسته های مردم عادی مطابقت دارد .

فیلمساز : " فیلمی که می یاد فریاد مردم را منکر می شود , دلشوره مردم را منکر می شود , دغدغه مردم را از کنارش می گذره , به درد مردم توجه نداره , میشه فیلم در مقابل مردم . فیلمی که به جای فریاد مردم پیچ مردم را فریاد می کنه میشه فیلمی که در کنار مردم ... چند سکانس هست که مردم خودجوش , ناخواسته با هم کف و سوت می زنند ... فهمیدم پیچ مردم را حمید فرخ نژاد بلند فریاد می زنه "

جواب : در متن مقاله جواب این نگاه داده شده است , اگر آن پیچ ها خطوات شیاطین باشد , وظیفه فیلمساز فریاد زدن , آنها نیست , وظیفه فیلمساز پیدا کردن , جواب آن شبهه ها و بلند فریاد زدن آن پاسخ هاست . خداوند پیامبران را برای اصلاح مردم از بسیاری از پیچ های غلط و باطل فرستاده است و فیلمسازی در دوره کنونی کم از کار پیامبری ندارد و ...

فیلمساز : " هر کدامان هدفمان از این مصاحبه و رفتن به دانشگاه و ... برای خودمان یک چیزی می بافیم

همه آمدیم در این دنیا که تمام کنیم ، یک بازی ای کنیم ، سرمان را گرم کنیم ، یکی با فوتبال یکی با نقاشی ، یکی با سیاست ، یکی با سینما سرمان را گرم کنیم و بریم و بریم "

جواب: آیا شما تا حالا نماز خوانده اید؟ آیا تا حالا یک برگ قرآن را مطالعه کرده اید؟ آیا هدف خلقت از منظر یک مومن مسلمان شیعه ایرانی این باید باشد؟ چطور به خود حق داده اید که نقش معلم جامعه را بازی کنید؟ چطور به شما اجازه داده اند، در جامعه مسلمین، این شغل حساس را انجام دهید؟ شما از نظر مبانی فکری و جهان بینی درست بسیار منحرفید، و جهل شما (دانسته های غلط شما) روی معرفت حقیقی عالم، پرده انداخته، و با این حساب هر چه بیشتر جلو بروید، مردم را به گمراهی بیشتر فرو می برید؟ تنها توصیه ام به شما قبل از آنکه باقی فرصتهاتون را از دست بدید، خودسازی و اصلاح جهان بینیتان است. فلسفه ضد خدای نیچه که به جهان بینی نهیلیسم و نهایت پوچگرایی می انجامد، هیچ سنخیتی با متعلقات ایمانی ندارد. ایمان به غیب، ایمان به آخرت، ایمان به کتاب خدا، ایمان به پیامبران خدا، ایمان به فرشتگان خدا، ایمان به آیات خدا، ایمان به خود خدا.

فیلمساز: " ولی یکی از اهداف اول من و آخر من اینه که بتونم در یک دیالوگ، در یک سکانس، یک پیچ مردم را بلند فریاد کنم و بگویم، مردم اینقدر دردهاتون را فرو نخورید، می شود پیچ پیچ ها را ریخت بیرون و تخلیه شد.

می شود بلند خندید، اگر ما بلند بخندیم همه بیماریها از بین خواهند رفت اگر بلند بگرییم تمام مشکلاتمان حل می شه

اگر بلند هورا بکشیم دردهامون درمان می شه "

جواب: ایضا مطالب بالا، به علاوه اینکه خیلی کاملتر از نسخه ای که شما پیچیدید در آیه زیر آمده است

قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ... (سبأ/۴۶)

بگو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می دهیم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید،

اگر جهت را از انسان بگیرید، همه چیزش مغلطه و شبهه می شود. ترجمه متن بال اگر می خواست از زبان یک مومن باشد، این می شد: مردم در راه حق، دردها را تحمل کنید و صبر کنید که پیروزی با صابران است، مردم یک گره از کار خلق گشودن ارزش ۷۰ سال عبادت نماز و روزه را دارد، پس به گشایش امور یکدیگر اقدام کنید، و شادی واقعی را به آنها و خودتان تقدیم کنید. مردم خنده زیاد و بلند، قساوت قلب می آورد و بهترین حالت

تعادل روحی تبسم است و مردم از آنچه از دستتان می رود غصه نخورید و به آنچه در دستتان است مغرور نشوید و مردم تعلق خود را از دنیا برگیرید تا در امتحانات دنیا سرفراز باشید و ...

فیلمساز: " اما اگر اجازه نداریم بلند فریاد بزنیم , بلند گریه کنیم , بلند بخندیم , بلند سوت بزنیم , بلند هورا بکشیم , همه را سرکوب می کنیم به دلایل متعدد , خندیدن خوب نیست , کنسرت خوب نیست , زنان نرن استادیوم فوتبال نگاه کنند , نرن والیبال نگاه کنند "

جواب: به خوبی , دغدغه جناح فرمیست و هواداران غربگرای آنها و همچنین دستور کدخداها را بیان کردید , اما به شما اعلام می کنم , در ایران , خیلی بیشتر از کشورهای مدعی دموکراسی غرب , شما و قشری که آنها را نمایندگی می کنید (به عنوان اپوزیسیون حاکمیت) , حق دارید بلند فریاد بزنید , بلند گریه کنید , بلند بخندید , بلند سوت بزنید , بلند هورا بکشید و لذا آنها را سرکوب نکنید و جناح انقلابی مدافع نظام و حاکمیت هم به شما اعلام می کند که خندیدن خوب است (منتها به حق و نه به باطل) , کنسرت خوب است (منتها موسیقی متعالی کننده و نه مطربی سکر آور , مدهوش کننده) زنان می توانند بروند استادیوم فوتبال و والیبال (منتها زنان و نه مردان , چون ما بر خلاف غربیها , زن را کالا نمی بینیم و برایش حرمت قائلیم تا مبادا جوانان به هیجان آمده نابخرند , از خود بی خود نشود و جسارتی صورت نگیرد ...)

فیلمساز: " اینها همه می یاد درون آدم ناخواسته , یا سخته می کنه , یا یکباره زود پیر میشه , یا افسرده می شه , یا با یک گوشکوب یکباره می زنه سر زنش , یعنی عقده ها یک جایی می زنه بیرون ... کتک کاری دو جوان از کجا می یاد ؟ مجری : قطعاً زمینه اش خود اتفاق لحظه نیست ؟ فیلمساز : یک جایی , یکجایی تخلیه نشده , از یک جایی پر است و داره با مشت , آنجا خالی می کنه و ... "

جواب: " با کمال احترام فرمایشان غلطه , الگوی ما علی (ع) است , که در دوره ای ۲۵ سال را چون خار در چشم و استخوان در گلو تحمل کرد تا هدف بزرگتری محقق شود , نه سخته کرد و نه یکباره پیر شد و نه افسرده شد و نه با گوشکوب سر کسی خالی کرد ... , با کنترل کامل بر نفس خود , بزرگترین اصلاحات تاریخ بشری را صورت داد , پس فرمولی که تعیین کردید (منتھی به سخته) یا کاملاً غلطه یا در مورد دنیا طلب ها صدق می کنه .

فیلمساز: " و وظیفه سینما اینه که بلند مردم را بخنداند , بلند مردم را بگریاند , بلند مردم را به هیجان بیاره , به شدت مردم را بترسونه , این خصوصیات و این ویژگیها , این خداداده هایی انسان تخلیه بشه , استفاده بشه "

جواب: وظیفه سینما دعوت مردم به راه حق است , با مصادیق حق , با متد و سبیل حق , جهت رضایت حق تعالی

خندان و گریاندن و به هیجان آوردن و ترساندن و شجاع کردن و ... همگی باید در جهت حق باشد نه هر جهتی
خندان مردم ، به خلق الهی که تیغیده می شوند ، افتخار ندارد ، گریاندن مردم از مرد بدبختی که می زند سر
خودش ، افتخار ندارد ، هیجان آوردن مردم با دخترک بزک کرده دانشجوی مادلینگ ، افتخار ندارد و ...

و سخن آخر با عموم مردم

بالا بردن سواد رسانه ای باعث می شود که فریب نخورید و دیگران را نیز از فریب خوردن نجات دهید ، چون فریب
مقدمه هلاکت است و عرصه فیلم و سینما و موسیقی و هنر قدرتمندترین ابزار های جنگ نرم دشمن شیطانی ،
علیه ما است که مهمترین هدفش ، سیادت و تسلط بر مغزها و تسخیر قلبها در جهت باطل می باشد ، چنان با
خودسازی خود را بزرگ و متعالی کنید ، که هیچ کس نتواند ، شما را از جهت حق و درستی ، منحرف کند.

... إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ (هود/۸۱) ... موعده آنها صبح است؛ آیا صبح نزدیک نیست؟!»

والسلام